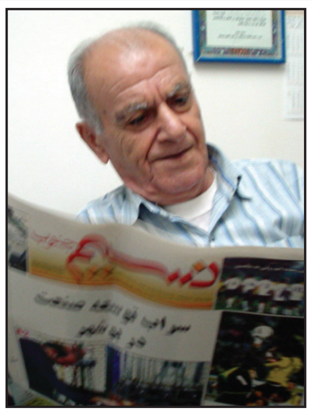
نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال چهاردهم - شماره ۶۳۵ - یک شنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۰ - ۸ صفحه - ۳۰۰ تومان



عبدالرضا افشار عضو هیئت موسسین باشگاه شاهین:

در هیئت موسسین شاهین هیچ وقت هماهنگی ندیدم

صفحه۸



در بود و نبود زاینده رود



محمد ابراهیم فروزانی

صفحه۳

دل نوشته های اسکناسی



دکتر سید جعفر حمیدی

صفحه۴

از کابوس ها نفرت دارم



حسین پورصفر

صفحه۶

کدامیک زودتر به سرانجام می رسد:

رسیدن قطار به بوشهر یا خانه سازی در ماه؟!



آقای استاندار بالاخره نان نامرغوب را بر سر کی بکوبیم؟

سرانجام کلیدی ترین برنامه مدیریتی استاندار بوشهر!

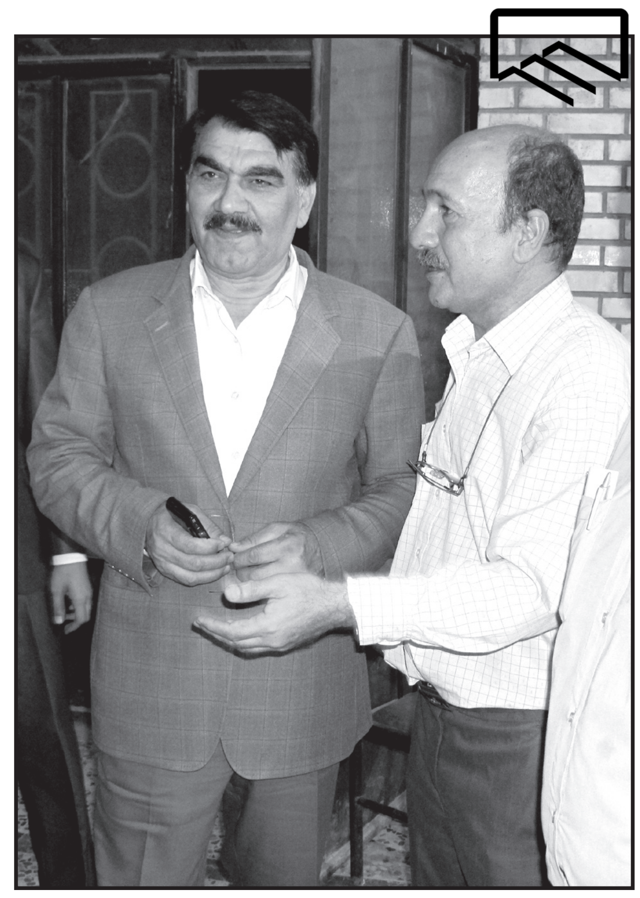
مساله ای به نام " کیفیت نان "



نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۶۳۵ یکشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

مصاحبه با فضل الله توسلی شهردار بندر بوشهر:

همکاری و تعامل سازمان نظام مهندسی ساختمان با شهرداری بوشهر راهبردی تر باشد



– به نظر شما اهمیت سازمان نظام مهندسی ساختمان در ساخت و ساز بوشهر چیست ؟

– سازمان نظام مهندسی ساختمان باید ساخت و ساز را یک سرمایه ملی بدانند و لذا باید نقش خود را به خوبی ایفا نمایند.

– چه پیشنهادی برای ارتباط موثرتر شهرداری بوشهر با سازمان نظام مهندسی ساختمان دارید؟

– به نظر من باید همکاری و تعامل سازمان نظام مهندسی ساختمان با شهرداری بوشهر راهبردی تر باشد.

– می توانید به نمونه ای عینی اشاره نمایید ؟

– باید نتیجه اقدامهای سازمان و شهرداری منجر به شهرسازی گردد تا سیمای شهر را رقم بزنند .

– چه پیشنهادی برای همکاری بین شهرداری بوشهر و سازمان نظام مهندسی ساختمان برای رفع معضلات ساخت و ساز در بوشهر دارید؟

– به نظر من این همکاری باید در یک سیستم واحد تعریف شود تا نتیجه بخش و منجر به هدف شود .

– به نظر شما طرح مسکن مهر تا چه اندازه توانسته است در رفع نیاز مسکن مردم بوشهر مثمر ثمر باشد؟

– در شهرداری دیدگاه ما به مسکن مهر در نگاه اول ، شهرسازی است و ثانیاً در رفع نیاز مردم است بنابراین امیدوارم به این اهداف دست یابیم .

– انتظار شهرداری بوشهر از سازمان نظام مهندسی ساختمان چیست؟

– ما در شهرداری بوشهر، سازمان نظام مهندسی ساختمان را به عنوان یک مجموعه تخصصی و حرفه ای در نظر می گیریم که با توجه به حضور نیروهای متخصص و توانایی که در آنجا حضور دارند، که می توانند کمک بزرگی برای اهداف شهرداری بوشهر در شهرسازی باشند. نظام مهندسی ساختمان می تواند با انجام دقیق اقدامات فنی، نظارتی و کنترلی در ارتقاء کیفیت ساخت و ساز و کاهش تخلفات ساختمانی موفق عمل کند. مهندسین ناظر اگر به وظایف خود بر اساس مقررات ملی ساختمان خوب عمل کنند، فرهنگ سازی در شهر در زمینه ساخت و سازهای شهری به وجود خواهد آمد که می تواند هزینه های شهرداری را برای کنترل نیز کمتر کند. در هر صورت امیدواریم شهرداری بوشهر و سازمان نظام مهندسی ساختمان بوشهر بتوانند در همکاری با یکدیگر، فضای بهتری را برای زندگی مردم عزیز بندر بوشهر فراهم کنند. ساختن یک شهر مدرن و با هویت نیاز به مشارکت و همدلی و همراهی همه دلسوزان و متخصصان بوشهری دارد و در این راه ما دست همه کسانی که خواهان شهری آبادتر و مدرن تر و رفاه بیشتر مردم هستند را می فشاریم.

مصاحبه با داریوش پوربهی رئیس کمیسیون عمرانی شورای شهر بوشهر:

وزارت مسکن و وزارت کشور می بایست ۲ میلیارد تومان بدهی به شهرداری بوشهر را پرداخت کنند



– در زمان حضور وزیر شهرسازی شاهد اختلاف وی با شهرداری بودیم و در حالی که معاون اجرایی شهرداری درخواست کرد تا طلب ۲ میلیاردی این شهرداری بابت بخشودگی ۵۰ درصدی بافت فرسوده در سال گذشته پرداخت شود، وزیر راه و شهرسازی این قضیه را نپذیرفت و این را غیرقانونی دانست، لطفا در خصوص این تفاهم نامه توضیح دهید؟

– بافت شهری بوشهر با توجه به شرایط آب و هوای که در معرض رطوبت و گرمای شدید قرار دارد زودتر از هر جای دیگر در حال فرسودگی و تخریب است و نیازمند تحول و تغییر به وسیله نوسازی و بهسازی و استانداردسازی پارامترهای شهری است. در حال حاضر در این بافت قدیمی و فرسوده شهری چشم اندازهای آزاردهنده ای دیده می شود مانند کوچه هایی باریک و غیربهداشتی، خانه های مخروبه و سست و از هم پاشیده و غیراستاندارد و در نهایت مهاجرت و خالی شدن این بخش ها از سکنه که واقعا برای شهر کوچک و پردرآمدی مانند بوشهر و استان بوشهر اصلا قابل قبول نیست. بنابراین جهت بهسازی این بافت فرسوده (۲۶۴ هکتار) مطابق قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن (قوانین ۱۲ و ۱۵ و ۱۶) مصوب ۱۳۸۷/۳/۶ مجلس شورای اسلامی و هم چنین مطابق فصل هشتم و نهم و دهم (ماده ۴۶) آیین نامه اجرایی همین قانون مصوبه هیئت محترم وزیران ، تفاهم نامه ای جهت تخفیف عوارض صدور پروانه های ساختمانی و تراکم، بین رییس سازمان مسکن و شهرسازی استان بوشهر و شهرداری بوشهر و مدیرعامل شرکت عمران و مسکن سازان استان بوشهر در تاریخ ۸۹/۱/۱۵ به مدت یک سال متعهد گردید که شهرداری موضوع را به شورای اسلامی شهر بوشهر انعکاس دادند و موضوع در شورای شهر بحث گردید و با ۱۰۰ درصد تخفیف موافقت گردید. این تفاهم نامه کاملا قانونی بوده و هیچگونه مشکلی ندارد و شهرداری تاکنون ۲/۵ میلیارد تومان جهت بهسازی بافت فرسوده تخفیف قایل گردیده که می بایست مسکن و شهرسازی مطابق با ماده ۴۶ فصل دهم همین آیین نامه از طریق وزارت کشور به شهرداری پرداخت نماید.

– این تفاهم نامه با امضا چه کسانی بود؟

– علی مقاتلی – رییس سازمان مسکن شهرسازی استان بوشهر، فضل الله توسلی – شهردار بوشهر، منصور سعیدی – مدیر عامل شرکت عمران و مسکن سازان استان بوشهر .

– چه ضمانت اجرایی برای انجام این تفاهم نامه لحاظ شده بود؟

– در جواب سوال اول عرض کردم قانون مصوب شورای اسلامی و آیین نامه این قانون مصوب هیئت وزیران.

– با توجه به سخنان وزیر و عدم قبول بدهکاری ۲ میلیاردی، تکلیف این بدهی چه می شود؟

– در ماده ۴۶ فصل دهم آیین نامه اجرایی قانون سازماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن ، به صراحت تعیین تکلیف کرده است و بیان داشته است: «برای آن دسته از تخفیف هایی که به دلیل اتمام اعتبارات مندرج در قوانین بودجه سنواتی در هر سال امکان پرداخت وجود ندارد، اعتبارات لازم را مستقیما به عنوان مطالبات شهرداری ها و دهیاری ها در لایحه بودجه سال بعد در نظر گیرد.» بنابراین مطابق همین بند وزارت مسکن و وزارت کشور می بایست این مبلغ را در لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ لحاظ نمایند و به شهرداری بوشهر پرداخت کنند.

استاندار بوشهر به خبرنگار صداوسیما:

اگر کوچکترین مشکلی ببینید صدبار بر سر ما می کوبید!

استاندار بوشهر در سخنرانی اش در مراسم معارفه فرماندار جدید جم برگزار شد، از خبرنگار صداوسیما خواست تا آمار وی در خصوص اعتبارات استان را منعکس کند. جهان بخش در بخشی از سخنان خود با خطاب قراردادن شیخیانی از خبرنگاران صداو سیمای مرکز بوشهر، اظهار داشت: شما که اگر کوچکترین مشکلی را ببینید صد بار برسر ما می کوبید، اما این موضوع را بارها گفته ام ولی عنوان نمی کنید.وی سپس گفت: در ۱۵ سال گذشته اعتبار استان ۴۲۹ میلیارد تومان بوده، اما در برنامه ۵ ساله فعلی به ۱۴۲۱ میلیارد تومان می رسد./ منبع: آوای جم

چاپ کتاب « بانک اطلاعات شاغلین صنعت ساختمان استان بوشهر»

در راستای اجرای ماده ۴ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و ماده ۲ آیین نامه اجرایی آن ، در سال ۱۳۸۸ توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر ، کمیته ای تحت عنوان «کمیته راهبردی آموزش و ارتقاء بهره وری شاغلین صنعت ساختمان» متشکل از مسئولین سازمان نظام مهندسی ساختمان استان ، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان ، سازمان مسکن و شهرسازی استان و شهرداری بندر بوشهر بعنوان عضو اصلی و نماینده اداره کل کار و امور اجتماعی استان بعنوان عضو مدعو تشکیل گردید. هدف از تشکیل کمیته مذکور که دبیرخانه آن در محل سازمان نظام مهندسی ساختمان استان می باشد ، بررسی آمار تعداد کارگران و استادکاران موجود دارای کارت مهارت فنی درجات مختلف ، بررسی ظرفیت ساخت و ساز شهرهای مختلف استان و ارتباط آن با تعداد شاغلین صنعت ساختمان ، برآورد میزان نیاز شهرهای مختلف استان به شاغلین مذکور به تفکیک رشته و درجه در سال های آینده و نحوه الزامی نمودن بکارگیری افراد مذکور در ساخت وسازهای بخش خصوصی براساس برنامه زمانبندی بوده است. بدین منظور ، در ابتدا ، چارت اجرایی آموزش و نحوه بکارگیری کارگران و استادکاران ساختمانی در ساخت و سازهای مربوطه توسط کمیته فوق الذکر تدوین شده و از سال ۸۸ تاکنون مراحل مختلف چارت اجرایی ، به انجام رسیده و ۱۴ جلسه کمیته در این خصوص برگزار گردید. ماه حصل جلسه های کمیته ، چاپ کتابی به عنوان «بانک اطلاعات شاغلین صنعت ساختمان استان بوشهر » در تیرماه سال جاری می باشد. در کتاب فوق الاشاره ، اسامی کلیه شاغلین صنعت ساختمان دارای کارت مهارت فنی در استان بوشهر به تفکیک شهرستان محل اقامت ، درجه مهارت و رشته ساختمانی ، بهمراه آدرس و شماره تماس آنها درج گردیده است. مالکین ، کارفرمایان ، مجریان ، مهندسین ناظر و حتی دستگاه های اجرایی دولتی و غیردولتی با مراجعه به کتاب مذکور ، می توانند استادکاران و حتی کارگران خود را در بخش های مختلف اجرایی ساختمان ، از میان اسامی مندرج در کتاب فوق الذکر انتخاب نموده و یا کنترل نمایند.

انشاء ا... پس از تشکیل جلسات تکمیلی کمیته و اخذ مجوز لازم از مراجع قانونی ، از پائیز سال جاری ، صرفاً استفاده از شاغلین صنعت ساختمان که دارای کارت مهارت فنی از اداره کل آموزش فنی و حرفه ای باشند ، الزامی می گردد.



اداره مورد نظر در دسترس نمی باشد

نقدی بر وضعیت مخابرات در شهرستان جم

عباس کمالی

اولین باری که آقای بل به فکر انتقال پیام افتاد شاید فکرش هم نمی کرد که روزی این صنعت زیر بنای توسعه در جوامع امروزی گردد، صنعتی که اگر فقط یک روز از کار بی افتد به جرأت می توان گفت که جهان از حرکت خواهد ایستاد.

برای اولین بار در سال ۱۳۵۹ اولین گام استفاده از تلفن به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی در شهرستان جم به حرکت در آمد و تلگراف شروع بکار کرد. ۹ سال بعد در سال ۶۹ اولین سویچ مخابراتی شهرستان شروع بکار کرد و بوق تلفن به ۱۲۰ خانه راه پیدا کرد بعد از این اتفاق بود که تب استفاده از تلفن خیلی زود همه گیر شد به طوری که خواست شوراها و مردم از مسئولین، تلفن بود. این روند تا سال ۸۵ ادامه پیدا کرد و در پی شهرستان شدن بخش جم، تقاضای مستقل شدن این اداره مانند تمام ادارات در دستور کار مدیران شهرستان قرار گرفت تا اینکه شرکت مخابرات استان بوشهر با این تقاضا موافقت کرد.

اداره مخابرات شهرستان جم وظیفه سرویس دهی به ۶۰ هزار نفر جمعیت بومی و ۳ شهرک توحید، ۲۵۰۰ واحدی شهید تندگویان و شهرک پردیس را بر عهده دارد. امید می رفت با این تغییر وضعیت سرویس دهی خدمات مخابراتی که دیگر متنوع شده بود بهتر گردد و شاید دو سه سالی هم همین روند ادامه پیدا کرد به طوری که مراکز مخابرات روستایی شهرستان به ۱۸ مرکز رسید و همزمان ۲۰ دفتر خدمات ارتباطی نیز شروع به فعالیت کردند.

با واگذاری مخابرات به بخش خصوصی در بهمن سال ۸۸ امید این بود که شرکت خصوصی خدمات خود در جاهایی که برایش درآمد زایی بیشتر داشته باشد هزینه نماید، خوشبختانه شهرستان جم همیشه از نظر درآمد بین ۳ شهرستان اول استان قرار گرفته است اما متأسفانه علاوه بر اینکه وضعیت بهتر نشد، این روزها خبرهای ناخوشایندی مبنی بر تعطیلی این اداره نیز به گوش می رسد به طوری که اداره که توسط ۵ نفر فقط در بخش اداری آن اداره می شده امروز فقط با یک نیرو به فعالیت خود ادامه می دهد، ریاست این اداره بصورت موقت توسط ریاست اداره مخابرات شهرستان کنگان مدیریت می شود.

مهمترین مشکلات آن را می توان به چند بخش عمده تقسیم کرد.

۱- چارت اداری و ساختمانی: بعد از گذشت ۳۰ سال از شروع فعالیت اداره مخابرات در شهرستان جم هنوز این اداره فاقد یک ساختمان اداری مستقل جهت سرویس دهی به مردم می باشد. ساختمان فنی مورد نیاز نه از نظر استاندارد و نه ظرفیت جوابگوی تجهیزات نصب شده نمی باشد. این در حالی است که چندین بار کارشناسان این شرکت جهت خرید زمین توافق کردند اما هر بار با یک بهانه مانند گران بودن قیمت زمین و نبودن اعتبار لازم این موضوع را به سالی دیگر موکول کردند. در حالی که در همین مدت مشابه شرکت مخابرات استان بوشهر نسبت به خرید زمین و ساختمان در شهرستان هایی که چه از نظر جمعیت و چه از نظر مشترک مخابراتی و در آمد نسبت به جم پایین تر می باشد اقدام نموده است.

۲- تلفن ثابت خانگی: وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، معاونین و مدیرکل مخابرات استان بوشهر در تمام جلسات از بروز بودن واگذاری تلفن خبر می دهند این در حالی است که در شهرستان جم بیش از ۸ سال است که هیچ گونه توسعه شبکه و کابلی صورت نگرفته است و در این شهرستان امکان واگذاری تلفن سیمی وجود ندارد و خیابان هایی که در این ۸ سال در سطح شهر ایجاد شده اند فاقد هرگونه کانال کشی و شبکه مخابراتی می باشند، بطوری که می توان گفت توسعه شبکه مخابراتی بیش از ۱۰ سال از توسعه شهری عقب تر می باشد.

۳- تلفن همراه : در بخش پوشش دهی تلفن همراه در جاده ها و بزرگراه های حوزه شهرستان جم تا کنون هیچ گونه اقدام جدی صورت نگرفته است. بطور مثال در بزرگراه شهرستان جم به فیروزآباد فارس تاکنون حتی یک سایت BTS راه نصب نشده است و در بزرگراه جم سیراف در حالی که بیش از ۲ سال از نصب ۲ BTS می گذرد، هنوز راه اندازی نشده است و بیشتر راه های روستایی شهرستان نیز فاقد پوشش تلفن همراه می باشند. وضعیت فعلی پوشش تلفن همراه در شهرستان جم نیز بسیار نامطلوب می باشد به طوری که هنگام شماره پیگیری همیشه با جواب شبکه مشغول است مواجه می شوی و مدت مکالمه نیز بیشتر از دو دقیقه نمی شود.

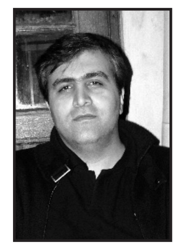
۴- فیبر نوری : شاید این جمله را در رسانه ها بسیار شنیده باشیم که مسئولین شرکت مخابرات ایران مدعی هستند که فیبر نوری را به درب منازل خواهیم برد و در بعضی از شهرستانها هم این کار انجام شده است اما شهرستان جم تنها شهرستانی در کشور است که فاقد فیبر نوری می باشد، حتی فاقد فیبر بین روستایی و بین شهری می باشد. شاید به جرأت بتوان گفت که با اتصال این شهرستان به فیبر نوری کشور بسیاری از مشکلات فعلی مخابرات مرتفع خواهد شد.

۵- اینترنت : شعار دولت الکترونیک شعاری است که چند سالی است که بر زبان مسئولین کشوری جاری می باشد آیا دولت الکترونیک بدون اینترنت قایل تصور می باشد؟ شهرستان جم هر چند از نظر ورود به دنیای مجازی در سطح قابل قبولی می باشد اما از نظر سرویس دهی اینترنت در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارد بطوری که هیچ کدام از روستاهای این شهرستان قابلیت اتصال به ADSL ندارند و وضعیت پوشش اینترنت در مرکز شهر نیز بسیار نامطلوب می باشد که این موضوع باعث نارضایتی مشترکان می باشد.

- آینده : در صورت عدم اقدام جدی در آینده نه چندان دور درب اداره مخابرات شهرستان جم بسته خواهد شد. اگر این بار مدیران و مسئولین شهرستان به بهانه مدیران غیر بومی با انتصاب یک مدیر غیر بومی مخالفت نمی کردند، چه بسا وضعیت این اداره به این روز نمی افتاد. متأسفانه جدیت مسئولین شهرستان به نام مخابرات رقم خورد و همین موضوع باعث وضعیت کنونی شد. اگر سرپرست فرمانداری، نماینده مجلس، بخشدار، شوراهای اسلامی شهر و روستا اقدام جدی صورت ندهند با توجه به خصوصی بودن مخابرات و عدم پاسخ گویی آنها به بهانه خصوصی بودن، مردم شهرستان جم برای گرفتن یک خط تلفن باید رنج سفر به شهرستان کنگان را به جان بخرند. متأسفانه آینده این مجموعه بسیار تیره و تار می باشد اگر بخواهیم در خواب غفلت باشیم.

در بود و نبود زاینده رود

محمد ابراهیم فروزانی





تمدن و فرهنگ به عنوان پدیده هایی انسانی در همنشینی و هماهنگی سه محیط اصلی است که نظام و قوام می گیرند. محیط طبیعی ، محیط اجتماعی – اقتصادی و محیط مصنوع یا انسان ساخت در تعامل و کنش و واکنش با یکدیگر که البته همراه با تضاد و تقابل نیز می باشد به ترکیبی (سنتز) پیچیده می رسد که در عالی ترین شکل اش یک شهر همراه با مدنیت است. واقعیت این است رسیدن به چنین فرآورده و مخلوقی از منظر تاریخی بسیار حیرت برانگیز است به گونه ای هنوز نیز دانشمندان و تاریخ دانان تمدن و شهر نتوانسته اند تبیین های علمی قطعی از بوجود آمدن اولین شهرها و تمدن ها ارائه نمایند. امروزه با احتمال قریب به یقینی می توانیم بگوییم که شهرها و تمدن ها نمی توانند اختراع از پیش اندیشیده انسان به عنوان یک فرد و یا یک جمع باشد ؛ گویی دستی غیبی در کار بوده است ، از همان گونه دستانی که در اقتصاد بازار ، عالمان اقتصاد مدرن تلاش بسیار برای کشف و توضیح عملکردش کرده اند اما تاکنون نیز مورد مناقشه و دردسر روزمره برای انسان های مدرن باقی مانده است.

تمدن تنها محیط مصنوع و ساختمان های ساخته شده و یا بقایای تاریخی و باستانی آنها نیست ؛ تمدن در واقع آن روح مسیحایی معجزه آسایی است که از طریق انسان ها در در این عالم خاکی دمیده می شود و هارمونی بی نظیر طبیعت ، اجتماع و ساخته های دست انسان را همچون یک کل انضمامی (concrete)، ممکن می کند. در چنین فضای جانانه ای است که فرهنگ می شکفد وگرنه " نه همین لباس زیباست نشان آدمیت". هرچند لباس و ساختمان ها که لباس محیط هستند (اگر صرفاً نگاه زیباشناختی و معمارانه داشته باشیم) جزیی از فرهنگ و تمدن است اما " تن آدمی شریف است به جان آدمیت" ؛ اگر جان و روح تمدن وجود داشته باشد آنگاه اینکه چه چیزی را در کجا و کی و چگونه بپوشیم و بسازیم نشانی مهم خواهد شد.

مسئله ما در موقعیت مدرن مان دقیقاً بر سر همین چه پوشیدن و چه ساختن در "موقعیت" است. از آن جهت که در موقعیت های زمانی و مکانی دنیای جدید نمی دانیم که باید چه کاری ، چه زمانی ، کجا و چگونه بر اساس منطق این دنیا انجام دهیم ، هم سنت و گذشته را از دست داده ایم (که گریزی نیز از آن نبوده) و مدرنیته و توسعه ای هم بدست نیاورده ایم. اگر مسیری برای مدرن شدن ما با هویت تاریخی مان وجود داشته باشد بی گمان از مسیر نقد سنت و البته نقدِ این نقد یعنی نفی در نفی می گذرد و اینگونه با نقد سنت، نه به گسست کامل تاریخی از آن که به بازآفرینی سنت خواهیم رسید.

زاینده رود برای تمدن ایران خصوصاً ایران اسلامی ، آب حیات بوده است اما از قرار معلوم این رود اکنون خشکیده است. بهانه این نوشته خشکیدن این رود و تبعات آن برای مهم ترین آثار تاریخی کشور و حتی ضربات زیست محیطی سنگین این حادثه ی خود ساخته ، نیست که البته اگر اراده باشد حتماً تدبیری برای آن خواهند اندیشید ؛ آنچه انگیزه ای برای این قلم خشکیده و تشنه شد ، زایندگی زاینده رود حتی در همین دوره نازایی طبیعی براساس تصمیمات اشتباه ما انسان های کم تدبیر است . گویی مامِ تاریخ و طبیعت این آب و خاک علی رغم همه بی مهری های فرزندانش هرگز سرِ بی مهری و توقف دهش عشق و زندگی ندارد. مسئله زاینده رود در سنتی ترین مناطق داخلی کشور باعث شکل گیری یکی از مدرن ترین حرکات مدنی شهروندان این مناطق شده است. روزنامه ها در هفته های گذشته خبر دادند که ۲۲۰۰ شاکی ، مسوولان سازمان آب اصفهان را به دلیل عاملیت در خشکاندن زاینده رود به دادگاه کشانده اند (روزنامه شرق ، چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۰).

بدون آنکه وارد ماهیت موضوع و اهمیت محتوایی اش بشویم که جای بحث بسیار دارد به جنبه های شکلی این حرکت مدنی به جهت مدرن بودن و اصالت اش خواهیم پرداخت:

۱- در این اقدام انگیزه های مختلف و اقشار مختلف فرهنگی و غیر فرهنگی در کنار همدیگر نشسته اند و باعث شده که حرکتی بوجود آید که مانند بسیاری دیگر از تلاش های به اصطلاح مدرن، انتزاعی و تنها متعلق به نخبگان و روشنفکران جداافتاده از مردم نباشد. عمومی و مردمی بودن این اقدام مدنی و ارتباط اش با زندگی روزمره است که به آن اصالت می دهد و باید گفت تنها دغدغه میراثی عده ای عاشقان فرهنگ و تمدن ایران نیست.

۲- مسئله زاینده رود با اقتصاد زندگی بسیاری از کشاورزان و با واسطه اقتصاد شهر اصفهان خصوصاً در بخش های صنعت توریسم به عنوان یک منبع مهم برای تولید ارزش افزوده در دنیای مدرن امروز مرتبط است. در جهان مدرن و خصوصاً در دوره مابعدصنعتی نمی توان اقتصاد را از فرهنگ و محیط زیست جدا دید. تصور کسانی که اینگونه می اندیشند که برای توسعه باید هرقیمتی پرداخت ، سال هاست که باطل شده هر چند از ابتدا نیز درست نبوده است. بنابراین به کسانی که با شعار توسعه دکور عوام پسندی برای اقدامات شان حتی با نیت خیر درست می کنند باید باشک و احتیاط نگاه کرد چراکه نه تنها ممکن است به توسعه نرسیم بلکه از آب و آبادانی هم چیزی نماند. توسعه اگر بخواهد توسعه باشد باید انسانی و پایدار بودن را در خود داشته باشد وگرنه تبدیل به یک رشد نامتوازن خواهد شد.

۳- شکل پیگیری شهروندان در این موضوع ، حقوقی است. جدا از مدنی بودن این نحوه پیگیری ، باید بدانیم که از مهم ترین جنبه های تحولات منجر به مدرنیته ، تحول در حقوق و رویکردهای حقوقی یک جامعه برای رسیدن افراد و اجتماعات به مطالبات شان می باشد. حکومت قانون اینگونه ساخته می شود ، آرام آرام و در مسیر پرونده های حقوقی مردم برای استیفای حقوق شان و البته تسلیم شدن در برابر قانون چه مورد پسندمان باشد و چه نباشد. تحقق حکومت قانون و گسترش روح قانون گرایی شرط بوجود آمدن یک جامعه مدنی مدرن است که اجازه ساماندهی نیروهای هرجامعه ای برای ساختن و توسعه را می دهد.

۴- خواست پاسخگویی دولت به معنای دستگاه سیاست گذار و بوروکراتیکی که اقدامات اش در محیط زندگی مردم در زندگی روزمره ، اقتصاد و میراث فرهنگی و طبیعی مؤثر است ، از ملزومات بوجود آمدن نظام های مدرن سیاسی در جهان پیچیده امروز می باشد. این مطالبه لزوماً و صرفاً در مسائل سیاسی و کلان نیست و نباید باشد ، بلکه همه ابعاد زندگی شهروندان را در برمی گیرد. اتفاقاً اگر ما بتوانیم در امور غیر سیاسی (به معنای مرسوم اش) و از کسانی که مستقیماً درگیر و مسئولیت در مقابل امور روزمره محیط زندگی مان دارند ، پاسخ بخواهیم و به شکلی منطقی و حقوقی نیز این مطالبه را انجام دهید ، قادر خواهیم بود در امور کلان و درسطح ملی نیز اقدام نماییم.

۵- مرتبط کردن خواست شهروندان با درک سنتی (حتی در زمینه حقوقی) از یک پدیده طبیعی و حق استفاده و برداشت از آن ، از ویژگی های مهم این حرکت مدنی است. ریشه خواست مردم و شیوه پیگیری مدرن آنها در سنت آنها و درک سنتی شان از طبیعت نهفته و البته در همین جا می توان به پیچیدگی های جامعه ایرانی در گذشته سنتی اش پی برد. نمی توان گفت که ما در گذشته هیچ تجربه ای از جامعه مدنی و پایه های نظری آن نداشته ایم. نمی توانیم بگوییم که زندگی ایرانی همیشه در یک رابطه مطلق بالا به پایین در مناسبات قدرت شکل می گرفته و پیش می رفته است ؛ اگر گفته می شود که باید به نقد سنت بپردازیم و البته به نقد این نقد ، معنایش در همین نکات ظریف روشن می شود. به راستی ما تا چه اندازه تاریخ خود و نه فقط تاریخ شاهان و پیروزی ها و شکست ها را می دانیم؟ تا چه اندازه توانسته ایم پژوهش های عمیق و جدی تاریخی را به آگاهی تاریخی در میان جامعه محلی و ملی مان تبدیل کنیم؟

بهرصورت باید منتظر بمانیم و ببینیم سرنوشت این حرکت مستمر و متمدنانه مردم پیگیر شهر و استان اصفهان که اکنون سال هاست ادامه دارد به کجا می رسد و آیا می تواند فصل نوینی در تاریخ مدنیت ما باز کند یا خیر؟

البته این نقد به مردم اصفهان نیز به جاست که چرا در مورد بسیاری از مسائل دیگر اینگونه رویکردی ندارند؟ چرا شهروندان اصفهانی تاکنون از خودشان نپرسیده اند که چرا بسیاری از صنایع کشور پهناور ایران بدون دلیل موجه ای باید در این شهر و استان تمرکز پیدا کند؟ آیا مشکلات زیست محیطی این استان تاوانی نیست که اصفهانی ها باید برای ایجاد عدم توازن فضاییِ توسعه و رشد در کشور بپردازند؟ و آنان خودِ در ایجاد این عدم توازن نقش بسیار مشخصی از طریق نفوذ سیاسی و قدرت جمعیتی شان داشته اند. تصمیمات غیرعلمی در تخصیص منابع کشور در نقاط مختلف سرزمین که بیشتر مبتنی بر لابی گری و سیاسی کاری بوده هر روز بیش از گذشته تبعات سنگین خود را نشان می دهد و باید بدانیم که هرچند مدرنیته و مدرنیزاسیون دستاوردهای خوشایند و هوس برانگیزی چون توسعه و گسترش رفاه دارد اما در عین حال می تواند بزرگترین جنایات انسانی و بلایای طبیعی کنترل نشده نیز در خود بپروراند. غول چراغ جادوی مدرن را نمی توان دوباره به درون چراغ بازگرداند اما اگر می خواهیم با دردسر کمتری در کنارش روزگار بگذارنیم چاره ای نداریم جز آنکه فلسفه اش را بدانیم و تسلیم روح علمی اش شویم ، هرچند این روح حتی در دانشگاههای ما نیز هنوز جایگیر نشده است.

خلیج فارس در نوک حمله ی بیماری دیابت



دیابت، از علت های عمده ی بیماری زایی و مرگ و میر در سراسر جهان قلمداد می شود. این بیماری، با آسیب های کلیوی، چشمی و ایجاد بیماری های قلبی – عروقی تؤام است.

به دلیل تغییر الگوی زندگی و رشد فزاینده ی چاقی و افزایش سن جمعیت، این بیماری نیز روندی رو به رشد از خود نشان داده است.

براساس نتایج تحقیقاتی یک تیم بین المللی، نرخ رشد دیابت طیّ ۳۰ سال گذشته دوبرابر شده است و این بیماری در دهه ی آینده مهمترین بیماری انسان در ابعاد جهانی خواهد بود. هم اکنون براساس برآوردهای حاصله از این تحقیقات، ۳۴۷ میلیون نفر مبتلا به دیابت در سطح جهان وجود دارد و ۲۲ میلیارد پوند هزینه دارویی این بیماری می باشد که در سال ۲۰۱۵ به ۳۰ میلیارد پوند خواهد رسید. نتایج این پژوهش که در آخرین شماره ی نشریه ی معتبر « لنست» به چاپ رسیده است موجب ایجاد نگرانی های عمیقی در سطح جهان گردیده است و اخبار آن در صدر اخبار رسانه های غربی مانند بی بی سی و صدای آمریکا قرار گرفت. بر اساس همین مطالعه، منطقه ی خاورمیانه نیز در نوک حمله ی این بیماری است. دکتر ایرج نبی پور، استاد دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نیز که از اعضاء تیم تحقیقاتی این پژوهش می باشد عنوان کرد که شیوع دیابت در سطح منطقه ی خلیج فارس از ۸/۵ تا ۱۲ درصد متغیر است و با توجه به افزایش شیوع چاقی در این منطقه، می بایست منتظر درگیری بخش چشمگیری از جامعه با این بیماری باشیم. بی شک تداخلات پیشگیرانه و ارتقاء سیستم های سلامت برای ترویج ورزش و تغییر الگوی زندگی می تواند در پیشگیری از این بیماری بسیار کمک کننده باشد.

لازم به یادآوری است که بخشی از مواد تحقیقاتی این پژوهش که توسط کالج سلطنتی انگلستان و دانشگاه هاروارد آمریکا انجام شده است از طریق پروژه ی مونیکای دانشگاه علوم پزشکی بوشهر فراهم شده است.

پروژه ی مونیکا از پروژه های بسیار مهم تحقیقاتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بوده که به مطالعه و بررسی سیر تحول بیماری های قلبی – عروقی، دیابت، فشار خون و سطح چربی های خون در میان ساکنین بالای ۳۰ سال بوشهر می پردازد.

این پروژه ی مهم از ۸ سال پیش با پشتیبانی کارگروه پژوهش و فناوری استانداری بوشهر آغاز گردیده و نتایج آن در سطح نشریات بین المللی به چاپ رسیده است. بی شک پروژه ی مونیکای دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در کنار پروژه ی قند و لیپید تهران و قلب سالم اصفهان، می توانند در آینده ی نزدیک، الگوی بیماری های قلب و عروق و عوامل خطر ساز مربوطه را در سطح ملّی ترسیم کنند.

پارس جنوبی حیات خلوت واردات

عابدین عابدی زاده





انتظار می رفت که مناطق آزاد و صنعتی (خصوصاً منطقه ویژه انرژی پارس) جایگاهی برای جذب سرمایه گذاری ، ایجاد کارخانجات ، صنایع پائین دستی پتروشیمی و جذب سرمایه های خارجی جهت ایجاد اشتغال باشد ولی متأسفانه علی رغم اعلام مدیران ارشد نفت و رسانه ها دال بر اینکه اکثر پروژه های پارس جنوبی توسط تولیدکننده ها و پیمانکاران داخلی اجراء گردیده، واقعیت نبوده و حتی کالاهایی که نیاز به تکنولوژی خاصی ندارد و تولیدکنندگان داخلی قابلیت انجام آن را دارند از جمله (Steel structure) اسکلت فلزی ، برجهای فراورش (Drum ، Vessel ، Process Towers) و مبدلهای حرارتی (Exchangers) و دیگر تجهیزاتی که قابل ساخت توسط تولیدکنندگان ایرانی است به شرکت هایی مانند (Hanmaek)هانمائک کره در فازهای (۹,۱۰ & ۱۵،۱۶ ،۱۷,۱۸ & ۲۰,۲۱ و ...) واگذار گردیده است .

از آنجائیکه دغدغه اصلی دولت در سال جهاد اقتصادی ایجاد اشتغال بوده و تولید کنندگان ایرانی به بهانه های مختلفی از جمله تأخیر و پائین بودن کیفیت و نداشتن ظرفیت تولید کنار گذاشته می شوند، اما کشور کره با اعمال سیاست گذاری های صحیح صادراتی مانند تشویق های صادراتی (۲۰درصد)، توانسته است ۴۶۶,۶ میلیارد دلار صادرات در سال ۲۰۱۰ داشته باشد (آمار به نقل از خبرگزاری شینهواXinhua). لیکن شرکت های ایرانی (تولیدکنندگان) با مشکلات بهره بالای بانکی و تحریم در جهت تأمین مواد اولیه (Material) می بایست با چنگ و دندان پروژه را به جلو ببرند و در نهایت مورد شماتت کارفرمایان قرار بگیرند. از سوی دیگر تولیدکنندگان داخلی بابت ورود مصالح و مواد اولیه وارداتی ملزم به پرداخت تعرفه گمرکی هستند و مدتها دچار بروکراسی نفس گیر اداری میگردند و در آن سو شرکت های کره ای بدون پرداخت حتی یک ریال تعرفه گمرکی در مناطق ویژه و آزاد جولان می دهند. گرچه ملت ایران در طول صد سال گذشته همواره با مبارزات برحق خویش مانند ملی شدن صنعت نفت جایگاه خویش را در این صنعت محکم تر نموده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نقش ایرانیان در تولید ، فراورش و انتقال نفت و گاز و محصولات آن بسیار فراتر رفته است، اما در حال حاضر تنها بخش کوچکی از ظرفیت های ساخت در داخل کشور در این صنعت استفاده می شود. در نگاه اول ملاحظه می گردد که کارهای ساخت پالایشگاه ها و همچنین کارهای استحصال در دریا به شرکتهای نفتی ایرانی واگذار شده است ، هر چند در بررسی عمیق تر و خصوصاً بخش مالی پروژه ها مشخص می شود که بخش اعظم نقدینگی پروژه ها چه در بخش Off Shore و چه بخش On Shore به حساب شرکتهای کره ای و چینی واریز می گردد.

در توسعه فازهای میدان گازی پارس جنوبی بخش اندکی از تجهیزات استاتیک پالایشگاههای گازی به ایرانی ها واگذار شده است، در حالیکه قابلیت ساخت همه آنها در داخل امکان پذیر است و برخی شرکتهای پتروشیمی (واحد بوتادین و بوتن-۱ در پتروشیمی جم) اثبات نموده اند که بدون هیچ گونه واردات تجهیز استاتیک از خارج، توانسته اند ساخت داخل را به این ترتیب ارتقاء دهند.

شرکت (Hanmaek) هانمائک به عنوان یک ابرقدرت تولیدکننده اسکلت فلزی کره ای تاکنون صدها میلیون دلار اسکلت فلزی که توان ساخت آن در کشور موجود بوده به فازهای توسعه میدان گازی پارس جنوبی فروخته است. بدیهی است که در صورت تزریق این حجم نقدینگی به صنایع داخلی کشور، موجب انقلاب عظیمی در وضعیت تولید داخل و ارتقاء کمی و کیفی سازندگان ایرانی می گردد .

آیا این سیاستها هم سو با سال جهاد اقتصادی و حمایت از تولید منطبق سیاست های کلی نظام است؟! هرگز فراموش نکنیم که از زمان دارسی تاکنون پالایشگاههای متعددی در ایران ساخته شده است ، لیکن پالایشگاهی دارای ارزش می باشد که حداکثر تجهیزات و کالاهای آن توسط ایرانیان ساخته شده باشد. چاره حل این معضل متوازن نمودن شرایط سازنده داخلی با خارجی با بکار بستن تعرفه جهت واردات کالاها در مناطق ویژه اقتصادی و انرژی می باشد.

آیا به بهانه حوزه های مشترک با قطر و تأخیر پیمانکاران داخلی تا چند فاز دیگر کارهایی که توسط تولیدکنندگان داخلی قابل انجام است می بایست به خارجی ها واگذار شود؟ در حالی که از فاز ۹,۱۰ می توانستیم نقش سازندگان ایرانی را در این فازها تثبیت نمائیم. کاملاً مسجل است که خیلی از این بهانه ها واقعی نیست و اگر همان همکاری که با شرکتهای خارجی می شود، با تولیدکنندگان ایرانی می شد، بدون شک مقوله تولید ایرانی نقشی چندین برابر در پیشرفت فازهای ۱۷,۱۸ & ۲۱,۲۲ داشت . خصوصاً بی توجهی مدیران به تأکید و نامگذاری سه سال اخیر مقام معظم رهبری با محوریت اقتصادی، خصوصاً سال ۹۰ را که به نام جهاد اقتصادی یعنی تلاش و رقابت در عرصه ملی و بین المللی، داشته اند به حضور بیشتر خارجی ها رقم زده است. در هر صورت مسئولین امر می بایست با بها دادن به استعدادهای جوانان ایرانی در همه عرصه ها و با ایجاد فرصت برای صنعت گران بالاخص در امر تولید و استفاده حداکثری از فرصت های کاری منطقه پارس ، شرایط اشتغال و توسعه ملی را فراهم نمایند تا از فرار سرمایه های داخلی به خارج از مرزها جلوگیری شود.

لذا پیشنهاد می شود :

۱- منطقه انرژی پارس جای سرمایه گذاری است نه واردات، لذا طرح انعقاد تعرفه های گمرکی جهت کالاها و تجهیزات خارجی و یا حداقل تجهیزات و کالاهای قابل ساخت داخلی اعم از اسکلت فلزی و ملحقات آن ، تجهیزات استاتیک مانند Drum , Tower , Vessel , Exchanger و مانند آن را در مناطق ویژه اقتصادی در فوریت های تصویب در صحن علنی مجلس قرارداده تا در سال جهاد اقتصادی علاوه بر ایجاد اشتغال ، اقتصاد کشور رونق قابل توجهی یابد .

۲- طراحان و جامعه مهندسین مشاور مکلف گردند که اسکلت های فلزی و تجهیزات استاتیک را در پالایشگاهها با پروفیلها و لوله ها با استانداردهای کارخانه های سازنده پروفیل در ایران (مثلاً DIN به جای JIS) طراحی نمایند .

۳- نرخ سود بانکی برای تولیدکنندگان به زیر ۱۰درصد تنزل پیدا کند .

۴- دولت می تواند با تشویق صادراتی به تولید کنندگان مانند کشور کره فضای پیشرفته و توسعه برای تولید کنندگان داخلی ایجاد کند.

وبلاگ اتاق روشن اندیشه ام

aspx.۶۱-http://abedinabedizadeh.blogfa.com/post

مشکل عدم شماره گذاری ماشین تعاونی صیادی جلالی

در مورخ ۹۰/۴/۱ تعاونی صیادی جلالی بوشهر یک دستگاه نیسان سایپا یخچالدار دیزلی نقدا جهت خدمات صیادی خریداری نموده ولی متاسفانه شرکت سایپا در بوشهر تاکنون که مدت یک ماه از تحویل نیسان گذشته نسبت به شماره گذاری آن اقدامی صورت نگرفته است و این تعاونی طی نامه شماره ۱۳۰۹ مورخه ۹۰/۶/۴ به نمایندگی سایپا درخواست اعلام عدم شماره گذاری نیسان مذکور به این تعاونی را نموده که تاکنون هیچگونه پاسخی در این مورد داده نشده است. لازم به ذکر است این تعاونی در این مدت حدود ۶ میلیون تومان بابت کرایه حمل خدمات دهی به لنج های صیادی به دلیل بلااستفاده ماندن نیسان خریداری شده پرداخت نموده و خسارت دیده است. لذا خواهشمند است مراتب را در آن روزنامه جهت پیگیری مسئولان مربوطه قید فرمایید.

نسیم جنوب ۴
ادب و هنر
شماره ۶۳۵ یکشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

نقد شعر در دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

جلسه ی ادبی دوشنبه های نسیم در هفتم شهریور نود در دفتر نسیم جنوب برگزار شد. در ابتدای جلسه شعر خوانی شاعران انجام شد و پس از ان شعر فرح راورد شیری مورد نقد و بررسی قرار گرفت .

استاد آرش نیا در خصوص شعر گفت که جسدهای عمودی یک شوخی است که در زمان جنگ انجام می شد و حضورش در این شعر لطمه ی زیادی به شعر زده است .

در ادامه وی گفت که در شعر ذهنیتی قشنگ ارائه شده اما در کل این ترکیب ها به هم ربطی ندارند.

در مجموع ایشان به تصاویر زیبای شعر اشاره کرد و اضافه کرد که شعر دارای ترکیب های زیبایی است.

در ادامه سایر اعضا به اپیزودیک بودن شعر و منفک بودن این اپیزودها اشاره کردند و گفتند که هر اپیزود به صورت یک شعر مستقل می توانست باشد .

از دیگر موارد اشاره شده به شعر ایشان ، تصاویر بکر ، زبان قوام یافته ، ترکیب های نو و نگاه زنانه ی آمیخته در شعر بود .

در اخر جلسه شعرهایی از شاملو توسط سیامک برازجانی و سایه درختیان قرائت گردید .

....

شعری از فرح راورد شیری

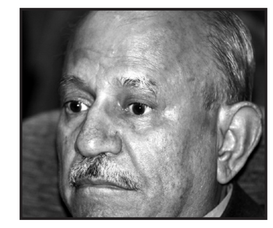
مگر باد
باید اسیر جسد های عمودی باشد
وقتی که زن
زن
در تمنای آیه های آغاز
در آینه آرام تطهیر می شود
#
در انجماد باغ
من از سرفه های پنجره می ترسم
روزی که چشم هایم
با باد بیایند
روبروی سایه
تاس سفید را می لغزانم
بر حجم چوبین بی مهره
تا ، طنین هیاهویی
که از سمت یاس می آید
حالا ، دیگر تازیانه را می فهمم
آنقدر که سایه ام نیز
با هر فرود کبود می شود
#
خدا در انتهای باغ
قدم می زند
و من دیریست
آسمانش رانفس می کشم

معرفی کتاب

دل نوشته های اسکناسی

پول نوشته ها نوشته ی سیدحسین موسوی انتشارات شروع، بوشهر ۱۳۸۷

دکتر سید جعفر حمیدی



نه ادبیات عامه، بلکه بهتر است بگوییم ادبیات عموم، همیشه راهی از درون و نهان دل آدم ها به بیرون دارد که یا به عنوان تعرض یا به نام طنز سر بر می آورند و گاهی آن چنان موثرند که کوتاهترین نوشته ی آن به بلندترین و طولانی ترین سایر آثار می ارزند. این نوع نوشته ها را نه می توان نامشان نثر گذاشت و نه شعر. بلکه رابطی است بینابین نثر و شعر و کاری می کند که هنر کاریکلماتور می کند اما دلاویزتر و در عین حال بُرّنده تر. دیوار نوشته ها، گور نوشته ها، پوست نوشته ها، بدن نوشته ها، حمام نوشته ها، مستراح نوشته ها، دستشویی نوشته ها، کلاس نوشته ها، میز نوشته ها، اسکناس نوشته ها یا پول نوشته ها و سرانجام ماشین نوشته ها که نویسنده مظلوم این سطور در سال ۱۳۶۹ با مشقت بسیار جمع شده های ۱۰ ساله ی خود را در انتشارات نسل دانش به چاپ رساند در قطع وزیری و چاپ دیگران در قطع جیبی در سال ۱۳۸۱ در نشر دنیای تمدن سبز و نشر مرکز فکر انتشار یافت و با کمال تاسف پس از آن کتاب هایی در مورد اشعار روی ماشین ها نوشته شد که پنجاه درصد اشعار و تحلیل های خود را از این کتاب گرفته و به نام خود جا زده اند.

"پول نوشته ها" کتاب بسیار جالب توجهی است که یک کارمند بانک که خود سالها با پول و اسکناس های نو و کهنه سروکار داشته و بارها بوی مطبوع اسکناس های نو را استنشاق کرده و پس از لمس اسکناس های آلوده، بارها و بارها دست خود را ضد عفونی نموده است. با شمارش و نوازش اسکناس های نو کهنه آنها را به مشتری پرداخته یا برای ریختن به صندوق از مشتری دریافت کرده است.

سید حسین موسوی در بوشهر زندگی می کند، شهری که به داشتن شاعران، عالمان، نویسندگان، محققان و ... همیشه سربلند و مفتخر بوده است.

موسوی در طی سالها سر و کار داشتن با اسکناس های جوراجور به نوشته هایی بر روی آنها برخورد کرده که دارندگان آنها از سر تعصب و علاقمندی، دل تنگی، آزردگی، آزمندی، گرانی و ... بر روی اسکناس ها نوشته اند. این موضوع شاید در کشورهای دیگر کمتر اتفاق بیفتد که مثلا روی دلار، پوند، یورو و سایر اسکناس ها مردم بنویسند و چون کشور ما سرزمین ذوق و عشق و طبع بالنده و روان و از همه مهمتر درد درون است می بینیم که روی بدنه اتومبیل نوشته اند:

اگر دیدی جوانی قد خمیده
بدان جاهل شده، خاور خریده

یا روی دیوار دیده می شود:

من نوشتم که خر کند خنده
تیغ بر ریش آن نویسنده
تا کسی دیگر در آن محوطه چیزی ننویسد

یا به جای توقف ممنوع روی در یا جلو یا یک طرف در خانه می نویسند: بر پدر و مادر کسی "رحمت" که جلو در پارک کند.

یا اگرچه امروز زمان نسیه فروشی و نسیه خریدن اجناس گذشته است اما در بعضی از مغازه ها هنوز تابلو زده که:

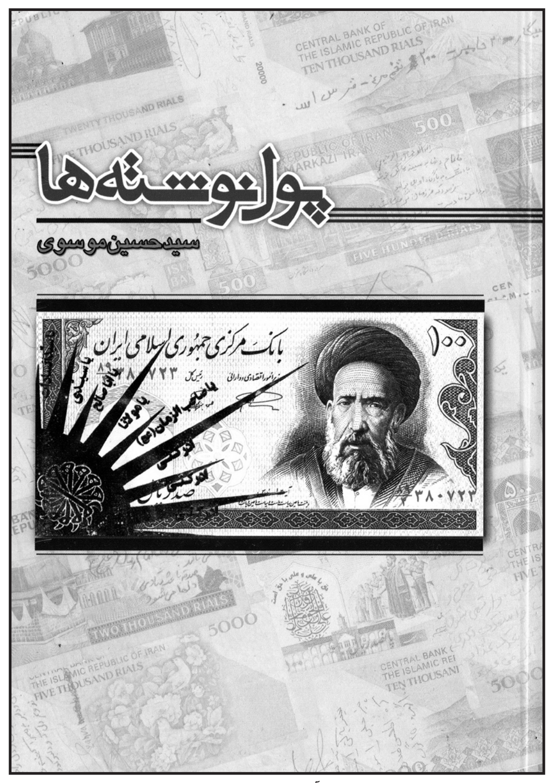
لعنی که خدا نموده بر شمر و یزید
بر شما باد اگر بار دگر نسیه برید

یا:

ز نسیه بردن مردم دلم بسی خون است
خجالتم نده آقا، نسیه ممنوع است

به هر حال پول نوشته ها مجموعه ای است از نوشته هایی که بر روی اسکناس ها نوشته شده اند و نویسنده با ذوق که خود سالها در داخل باجه بانک، توپ و تشر و اخم و تخم و خنده و خوشرویی مشتریان را دیده و شنیده و میلیون ها میلیون اسکناس های ریز و درشت از زیر دستش گذشته و به مشتری پرداخته یا از آنها دریافت داشته و تجربه اندوخته و از این تجربه استفاده نموده و کتاب پول نوشته ها را به رشته ی تحریر در آورده است. نویسنده گفته است: نوشته های بسیاری را در طول سال های خدمتم جمع آوری کردم اما در هنگام چاپ کتاب بسیاری از آنها حذف یا واضح تر بگویم سانسور شد، به ویژه نوشته هایی که بوی زنده باد یا مرده باد، مرگ بر، درود بر، سلام بر، آفرین بر یا التماس التجا و تقاضا از آنها به مشام می رسید.

نویسنده می گوید: نظر به اینکه اسکناس یک نظریه فراگیر است و ممکن است ده ها و صدها دست بگردد، پس دارنده ی آن اگر اهل ذوق باشد، اندوه درون یا شادی پنهان و آشکار خود را بر روی اسکناس بروز می دهد. ناگفته نماند که اسکناس یک وسیله ی ضروری و قابل احترام برای زندگی است و تمام تلاش ها و سگ دو زدن های آدم ها از بام تا شام برای بدست آوردن این کاغذ رنگین است که اگرچه امروز ارزش آن به حداقل رسیده اما تلاش و دوندگی برای رسیدن به آن پیوسته ادامه داشته و دارد و چه بسا که درگیری های خونین، زد و خورد ها و قتل ها و غارت های هولناک در طول سال های سال به جهت دوستی یا وصال این کاغذ یا مسکوک های قیمتی در جهان به وقوع پیوسته است. باید گفت که نوشتن روی اسکناس درست نیست زیرا اسکناس متعلق به یک نفر نیست و متعلق به همه است و دست به دست می گردد و نوشتن یا امضا بر روی آن به نوعی بی حرمتی به دیگران است. بنابراین احترام و حرمت این کاغذ گرانبها را باید نگه داشت.



نویسنده پول نوشته ها، تا آن جایی که توانسته، مطالب و نوشته های بر روی اسکناس ها را جمع آوری و ضبط نموده است و بدیهی است که پاره ای از آنها که یا از حوزه اخلاق به دور بوده یا به حوزه سیاست نزدیک شده، نویسنده از نوشتن آنها صرف نظر نموده یا اگر پاره ای از آنها روی کاغذ آورده، در هنگام اعلام مجوز و چاپ، حذف شده اند.

پاره ای از این نوشته ها عاشقانه، یادبود، امضا، عارفانه، استغاثه، حسرت، آرزو، نصیحت، طنز و مطایبه، شعار مذهبی و پاره ای دیگر، پیام های کوتاه، شماره تلفن یا نوشته های سرکاری هستند که برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می شود.

" وای از درد عاشقی/ نوروز مبارک / سلام عزیز دوستت دارم، اگر تو هم منو دوست داری اینو امانت نگه دار مثل قبل من / خیلی باحالی، خیلی خوشگلی/ شهر من کنار تخته/ عید غدیر خم مبارکباد/ به پشت اسکناس نگاه مکن/ اگر جرات داری به این شماره زنگ بزن/ سال نو مبارک/ مهدی جان به جان مادرت زهرا منتظریم/ عشق یعنی علی/ چه می شود کرد سرنوشت پر زور تر از من است/ آشنا/ دوستت دارم شاید فردایی نباشد/ می خواهم تا ابد چشمت را عقاب دلم کنم/ یا علی گفتیم و عشق آغاز شد/ یادگاری از بابا علی خوب و مهربان/ و ...

این چند جمله فقط بخش اندکی بود از پول نوشته هایی که بر روی اسکناس ها به یادگار نوشته شده اند. درست است که این آثار به نوعی دل نوشته ها، غم نوشته ها، افسوس نوشته ها، اندوه نوشته ها و یادبود نوشته هاست اما بهتر است نویسنده های محترم این آثار نوشته های خود را بروی کاغذ یا دفتر بنویسند، جمع آوری کنند و یا به چاپ برسانند و یا در نزد خود نگه دارند. زیرا اسکناس سرمایه ملی و متعلق به همه مردم است و چه بسا کسانی که از دیدن این نوشته ها بر روی اسکناس هایی که به دستشان می رسد منزجر و ناراحت شوند و سعی کنند هرچه زودتر آنها را از خود دور نمایند. پس به فرهنگ پای بند بودن در همه موارد به شادمانی و طربناکی و پاکی کمک می کند.

طنین موسیقی ایرانی و آفریقای جنوبی در عسلویه



رئیس روابط عمومی شرکت آریا ساسول ضمن بیان این خبر اعلام داشت: در طول تاریخ ایران بر هیچ کس پیوند فعالیت های اقتصادی و فرهنگی پوشیده نیست.

به گزارش ایرنا؛ فرامرز پریزی در ادامه گفت: اقتصادگرانی که در عسلویه به تولید مواد پتروشیمی مشغولند، با همکاری شرکت ساسول پلیمر آفریقای جنوبی درصدد هستند پویایی و زندگی را نه تنها در سوت کشتی های عظیم، بلکه با دعوت از گروههای موسیقی دو کشور ایران و آفریقای جنوبی نشان دهند. وی ادامه داد: از این رو بر آن شدیم تا با استفاده از پیشینه گروه های موسیقی دو کشور، گروه بین المللی لیان و گروه کوارتت یوبانتو از آفریقای جنوبی را برای این مهم انتخاب نماییم، دلیل انتخاب گروه ایرانی علاوه بر فعالیت موسیقی پژوهی ایشان، تجربه های بین المللی محسن شریفیان سرپرست گروه لیان می دانم که می توان ارتباط معنادار موسیقی خود با آفریقا را به خوبی نمایش دهند.

وی همچنین اشاره داشت: مهاجرت اقوام آفریقایی به بوشهر در رده های مختلفی از تاریخ باعث شده تا تبادلات فرهنگی حتی به ساز ها و نوع موسیقی کشیده شود که این خود حائز اهمیت می باشد. پریزی درباره گروه کوارتت یوبانتو این گونه بیان داشت: این گروه که به عنوان نماینده موسیقی آفریقا معرفی می شود قصد دارند تا موسیقی خود را که همانا برگرفته از شادی، هیجان و رنگ می باشند را به روی صحنه ببرند. رئیس روابط عمومی شرکت آریا ساسول بیان داشت: اجرای گروه آفریقایی یوبانتو در سه بخش ارائه می شود که بخش اول به ارائه آثار کلاسیکی از ویوالدی، هندل، سباستین باخ و ... می پردازد. در بخش دوم موسیقی پاپ را اجرا خواهند کرد و در نهایت در بخش سوم به ارائه ی موسیقی بومی آفریقا خواهند پرداخت و رسم و رسومات آفریقایی ها هنگام موسیقی را به روی صحنه می برند.

پریزی در ادامه خاطر نشان ساخت: " اجرای مشترک ۲گروه لیان و کوارتت یوبانتو در تاریخ ۲۱و۲۲ شهریورماه در عسلویه برگزار خواهد شد و به طور قطع این جشنواره سرآغاز ارتباطات فرهنگی مختلفی در ایران خواهد بود.

همچنین بخشی از این جشنواره ۲۴ شهریورماه در تالار رودکی برگزار می‌شود که اطلاعات بیشتر آن بزودی اعلام خواهد شد

پرواز بالابان در جشن خانه سینمای ایران

به گزارش روابط عمومی صداو سیمای مرکز بوشهر فیلم سینمایی بالابان به تهیه کنندگی و کارگردانی سیدرضا صافی در پانزدهمین جشن خانه سینما نامزد دریافت ۴ تندیس شایستگی شد .

بنابراین گزارش صادق زارعی –حسین نجفی و سید رضا صافی به ترتیب نامزدهای دریافت تندیس نقش مکمل مرد فیلم اول ،بهترین جلوه ویژه بصری ،بهترین کارگردان فیلم اول و بهترین فیلم شدند . از جمله ویژگیهای این فیلم استفاده از جلوه های ویژه رایانه ای (splclal efect) جهت غنی تر نمودن تصاویر و خلق جذابیت های بصری علی الخصوص در صحنه های مربوط به ارتباط میان انسان و حیوانات است . همچنین پرداخت داستان از حیث مضمون به دغدغه های جهانی در ارتباط با مسائل زیست محیطی نوید دهنده حضورمؤثربین المللی و معرفی اقلیم جنوب و فرهنگ این خطه از کشور در سطح جهان است .

ناگفته نماند مراسم پایانی جشن خانه سینما ی ایران در تاریخ ۲۵ شهریور برگزار می شود .

آگهی تأسیس شرکت زمین پردازان جوان جنوب سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۲ تحت شماره ۹۰۴۸ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۳۰۶۱۹ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۹۰/۶/۱۲ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهار نامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه های رسمی و کثیرالانتشار نیم نگاه آگهی می شود. ۱- موضوع شرکت: پروژه های آماربرداری از منابع آبی – تهیه بانک اطلاعاتی از منابع بانکی – مشاوره در پروژه های تحقیقاتی و پژوهشی منابع آب – مشاوره و انجام پروژه های سدسازی و سازه ای – خاک برداری و پی ریزی – انجام عملیات ژئوفیزیکی و ژئوتکنیکی – ارایه کلیه خدمات در خصوص پروژه های منابع آب – تهیه گزارش تلفیق و بیلان محدوده های مطالعاتی منابع آب – تهیه نقشه های توپوگرافی – نقشه برداری و نقشه کشی و در صورت لزوم اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح. ۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود. ۳- مرکز اصلی شرکت: ۱-۳- استان بوشهر – شهر بوشهر – خیابان بهمنی – کوچه دانشگاه علمی کاربردی – ساختمان علی – واحد ۲ – ۴- سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به یک صد سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی که تعداد یکصد سهم با نام می باشد که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۰۵/۳۲/۳۱۲ مورخ ۹۰/۵/۱۶ نزد بانک صادرات شعبه بوشهر پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می باشد. ۵- اولین مدیران شرکت: ۱-۵- آقای علیرضا مرواریدی به سمت رییس هیئت مدیره ۲-۵- آقای حسن تقی زاده به سمت نایب رییس هیئت مدیره ۳-۵- خانم مهسا مرواریدی به سمت عضو هیئت مدیره ۴-۵- خانم مهسا مرواریدی به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. ۶- دارندگان حق امضاء کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی و سایر نامه های اداری با امضاء خانم مهسا مرواریدی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. ۷- اختیارات مدیرعامل : طبق اساسنامه ۸- بازرس اصلی و علی البدل: ۱-۸- آقای علی زنگنه نژاد به عنوان بازرس اصلی ۲-۸- خانم فرخنده گرمساری به عنوان بازرس علی البدل – ۱۲۳۵ م/الف

خسرو میرشکاری – رییس ثبت اسناد و ملاک واحد ثبتی بوشهر

آگهی تغییرات

شرکت تدارکات گستر سبز جنوب سهامی خاص به شماره ثبت ۷۷۷۷ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۰۸۰۹۵ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده و هیئت مدیره مورخ ۹۰/۵/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- آقای محمد پورتنگستانی به عنوان بازرس اصلی، آقای مهدی دلیریان به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۲- اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۹۲/۵/۲۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:آقای امیررضا ارجمند منش وآقای جواد ارجمند منش و آقای سعید ریشهری و خانم مریم خلیلی زاده تا تاریخ ۱۳۹۲/۵/۲۱ ۳- ترازنامه و حساب های سود و زیال سالی مالی منتهی به ۱۳۸۹/۱۲/۲۸ به تصویب رسید. ۴- سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای علیرضا ارجمند منش به سمت رییس هیئت میدره و آقای جواد ارجمند منش به سمت نایب رییس هیئت مدیره و آقای سعید ریشهری به سمت عضو هیئت مدیره و خانم مریم خلیلی زاده به سمت عضو هیئت مدیره و آقای امیررضا ارجمند منش به سمت مدیرعامل. ۵- کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی با امضاء منفرد امیر رضا ارجمند منش با مهر شرکت معتبر می باشد و سایر نامه های اداری با امضاء هر یک از اعضاء هیئت مدیره و مهر شرکت معتبر می باشد. در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۶ ذیل دفتر ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت. ۱۲۶۷ م/الف

خسرو میرشکاری – رییس ثبت اسناد و ملاک واحد ثبتی بوشهر

"بوشهر ۸ صبح "

" بوشهر ۸ صبح " مجله ایست صبحگاهی که با هدف ایجاد نشاط و انرژی در صبح های هر روز پخش می شود . این برنامه با بهره گیری از آیتم های جذاب و متنوع سعی دارد ساعات صبحگاهی خوشی را برای مخاطبان بومی خود خلق کند . آیتم های این برنامه عبارتند از دل گشا ،چرخ نیلوفری ،اگه شما بودید ،عکس یادگاری ،راز تازه ،از جنوب تا جنوب،همزبان،چشم نواز،اهل روز،کارشناس.

تهیه کننده و کارگردان : شهرام سروری، نویسنده و پژوهشگر :سعید بردستانی، مجری: شاهرخ سروری.

نسیم جنوب
۵
اجتماعی
شماره ۶۳۵ یکشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

آیا اجبار، چاره ساز است؟

به مناسبت اجباری شدن چادر در مدارس بوشهر

ایمان احمدی

هنگامی که در مورد یک مسئله اجتماعی صحبت میشود باید به دنبال نتیجه تصمیمات گرفته شده که آیا یک عمل قادر است پاسخ مورد نیاز را نسبت به معضل فوق بدهد یا خیر و در واقع باید خواسته های خود را طرح و پاسخی داده شود که نتیجه دلخواه را به ما بدهد و نباید به راهکارهایی که فقط ظاهر خوبی دارند ولی در عمل کمتر کاربردی دارند توجه کرد، چون فقط انرژی و مهم تر از همه زمان خود را بیهوده هدر خواهیم داد. و اینکه باید در هنگام اخذ تصمیم شرایط روحی آن قشر خاص که مورد نظر ما هستند، شرایط روانی حاکم بر آن جو، شناختن نیازهای آن قشر و بررسی دلیل انحراف و گرایش به موضوعی که ما را وادار کرده تا برای جلوگیری از پیشروی بیشتر انحرافات تصمیماتی اتخاذ نماییم، را بشناسیم و بعد به اتخاذ تصمیم بپردازیم.

ما نباید با برخوردهای فیزیکی و قوانین سخت به فکر اصلاح معضلات باشیم زیرا باید برای برطرف شدن یک گِره و حل شدن مشکلی، ابتدا گِره را پیدا کرده و سپس با بررسی شرایط گره به باز کردن آن اقدام نمود نه اینکه بدون تخصص و با فشار گِره، را کور کنیم.

ریشه اساسی بدحجابی چیزهایی هست که هیچگاه در رفع عیب آن نکوشیدیم و چه بسا شاید اگر در آن مسیر حرکت مینمودیم بسیار نتایج بهتری میگرفتیم و شاید وضع بدحجابی در جامعه به این شدت نبود و باز کردن این گره ها کاری است بس مشکل و دشوار و عمیق، که باید برنامه ریزی جامعی کرد تا بتوان در سالهای آتی به نتایجی رسید.

اگر ما چندین سال پیش با آینده نگری برای بوجود آوردن فرهنگ و فهم حجاب برنامه ریزی دقیقی کرده بودیم الان اولین ثمرات آن را میدیدیم. شاید بشود جلوی یک جوی کوچک آب را با چند سنگ گرفت اما وقتی رودخانه شد و طغیان کرد گاها با هزاران سنگ هم نمیشود جلوی آن را گرفت. آیا بدحجابی دچار طغیان نشده؟ آیا بدحجابی تقریبا فراگیر نشده؟ آیا این طغیان را میشود با راهکارهایی همانند اجباری کردن چادر در مدارس گرفت؟

تصور بفرمایید پوشش برتر در مدارس اجباری شده است. دانش آموزان هنگام ورود به مدرسه با چادر وارد میشوند وقتی وارد کلاس درس میشوند تا زمان خروج از چادر استفاده نمی کنند . حالا سوال:

آیا کسانی که با زور با چادر به مدارس میروند در هنگام طی کردن مسیر منزل تا مدرسه از چادر استفاده می کنند؟

در مدارس دخترانه که همه خانم هستند ما که مشکلی برای پوشش نداریم. مگر مشکل ما حجاب خانم در جلوی خانم است؟

مشکل ما این است که در جلوی آقایان و در خیابانها بدحجابی وجود نه در مدارس دخترانه.

قطعا کسانی که تمایلی به چادر ندارند تا قبل از ورود به مدرسه چادر را در کیف پنهان و در هنگام ورود میپوشند. آیا میشود بیرون از مدرسه هم آنها را کنترل کرد؟ و یا دستوری داد که در راه مدرسه هم چادر برای دانش آموزان اجباری باشد؟ اگر میشود با استناد به کدام قانون؟ چگونه می شود انتظار داشت دختران مدرسه ای ما چادر بپوشند وقتی خیلی از آنها علت و دلیل پوشیدن آن را نمیدانند؟

یک خانم وقتی دوره متوسطه را به اتمام رسانده حدود ۱۱ سال در اختیار نظام آموزشی بوده ولی پس از ۱۱ سال نظام آموزشی نتوانسته برایش روشنگری کند که حجاب چه فوایدی دارد، جامعه سالم میماند، از نگاههای بیمار مصون میماند، آنوقت میخواهیم آن کاستی را با این اجبار برطرف سازیم؟

شخصی که در یکی از کشورهای پیشرفته درس خوانده بود و سالها در آن کشور مطالعه و تحقیق نموده بود میگفت در آن کشور آنقدر به دختران در مدارس فهمانده اند که تو خودت همینگونه که هستی با ارزشی و تو یک انسان نمونه هستی و همینگونه زیبایی که دیگر دختران به باور رسیده اند نیازی به آرایش برای حضور در جامعه ندارند، آیا ما توانسته ایم به دختران خود بفهمانیم تو با حجاب بسیار با ارزش تری؟ آیا نظام آموزشی وظیفه خود را انجام داده که ما به سراغ راه آخر میرویم؟ آیا صدا و سیما وظیفه خود را انجام داده؟ چقدر برنامه های روزانه برای تفهیم فرهنگ حجاب برای خانم ها از رادیو و تلویزیون پخش میشود ؟چقدر برنامه های هفتگی؟ چقدر برنامه های ماهیانه؟ فقط انگشت اتهام را به طرف غرب دراز کرده ایم، خب ما چه کرده ایم؟

تا نیازی احساس نشود شخصی به دنبال رفع نیاز نخواهد رفت آیا ما نیاز حجاب را به زنان و دخترانی که چندین سال در اختیار نظام آموزشی هستند را بوجود آورده ایم که انتظار داریم آنها در پی رفع آن تلاش کنند؟ همه ما خواستار جامعه ای سرشار از سلامت و حجاب هستیم ولی با این تصمیمات نه تنها نمیتوان تغییری ایجاد کرد، بلکه ممکن است عده ای هم به کسانی که بخاطر اجبارهای بدون توضیح و تفهیم از حجاب فاصله بگیرند، اضافه کنیم.

کدامیک زودتر به سرانجام می رسد:

قطار به بوشهر یا خانه سازی در ماه؟!



نیکزاد وزیر راه و شهرسازی در سفر به بوشهر با بیان اینکه راه آهن بوشهر ۲۰۰ کیلومتر طول دارد که هر کیلومتر آن یک میلیارد تومان هزینه دارد، اظهار داشته است: "امسال ۱۳ میلیارد تومان برای آن در نظر گرفته ایم."

احداث راه آهن شیراز – بوشهر سالهاست که مطرح بوده و درباره آن بحث های مختلفی صورت گرفته است تا اینکه بالاخره با توجه به توسعه روزافزون طرحهای توسعه‌ای و زیربنایی در استان بوشهر و استانهای همجوار و توسعه روزافزون میادین گازی پارس جنوبی، پارس شمالی، گلشن و فردوسی و لزوم خدمات رسانی بهتر به این مناطق و همچنین انتقال محصولات تولیدی قابل انتقال به اقصی نقاط کشور، طرح احداث راه‌آهن شیراز، بوشهر، عسلویه در سال ۸۶ در دستور کار وزارتخانه‌های نفت و راه و ترابری قرار گرفت. اجرای این طرح به صورت یک خطه و با طول تقریبی ۶۶۰ کیلومتر بوده که پنجاه درصد هزینه ساخت آن از سوی وزارت نفت متقبل گردید. برای اجرای راه آهن بوشهر– شیراز – عسلویه ساخت ۳۰ تونل و ۲۵ دستگاه پل پیش بینی شده بود و اعتبار ساخت این پروژه ۷۰۰ میلیارد تومان به صورت مشارکت ۵۰ درصدی توسط وزارتخانه های راه و ترابری و نفت در نظر گرفته شده بود.

پیش‌بینی می‌شد که اجرای طرح راه‌آهن شیراز، بوشهر، عسلویه پس از انجام مطالعات اولیه از سال ۱۳۸۶ آغاز و بهره‌برداری اولیه از آن در سال ۱۳۹۰ آغاز گردد.

پیش بینی که اکنون مشخص شده است در حد یک رویا بوده است. گرچه کار احداث راه آهن بوشهر – شیراز در زمان استانداری افراشته با پیگیری های جدی وی شروع گردید و تا زمان استانداری افراشته نیز با جدیت و با امیدواری به پیش رفت اما پس از وی و در زمان استانداران بعدی گویا به فراموشی سپرده شد. عدم پایبندی وزارت نفت به تعهدات مالی خود و کمبود اعتبارات و عدم پیگیری جدی مسئولان ارشد و نمایندگان استان نیر باعث شد تا وزارت نفت فشاری را بر روی خود برای عدم پایبندی به تعهدات خود احساس نکند.

بر اساس پیش بینی های صورت گرفته قرار بود که امسال بهره برداری اولیه از راه آهن بوشهر – شیراز آغاز گردد، اما نه تنها چنین نشده که حتا اعتبارات لازم نیز برای این طرح حیاتی استان بوشهر فراهم نشده است.

اکنون وزیر راه و شهرسازی از تخصیص ۱۳ میلیارد تومانی برای ۱۳ کیلومتر از ۲۰۰ کیلومتر راه آهن بوشهر – شیراز خبر می دهد و همانطور که آقای وزیر گفته است در صورتی که هر کیلومتر از این راه آهن یک میلیارد تومان اعتبار نیاز داشته باشد، و چنانچه در خوشبینانه ترین حالت سالانه به همین مقدار اعتبار برای این طرح تخصیص یابد، حداقل تا ۱۵ سال دیگر هم خبری از افتتاح راه آهن بوشهر – شیراز نیست. (این در حالی است که بفرض هزینه احداث این طرح در تمامی این ۱۵ سال ثابت بماند که البته اینچنین نیست.) در حالیکه سالانه شاهد افتتاح طرح های عظیم عمرانی و از جمله راه آهن در کشورهای مختلف هستیم، مشخص نیست که چرا دولت در احداث تنها ۲۰۰ کیلومتر از راه آهن در جنوب کشور که منطقه حیاتی برای اقتصاد و تجارت و انرژی کشور است، ناتوان مانده و حتا اراده این نیز وجود ندارد تا تعهدات مالی وزارت نفت به این پروژه مهم اختصاص یابد، گویا وزارت نفت دولتی جدا از دولت احمدی نژاد است که به تعهدات دولت و رئیس آن بی اهمیت است.

با توجه به طرح های عظیم فضایی از جمله رویای خانه سازی در ماه و نظر به کندی احداث راه آهن بوشهر – شیراز، باید به انتظار نشست و دید که کدام یک از این طرح ها زودتر به سرانجام خواهد رسید؟

آقای استاندار بالاخره نان نامرغوب را بر سر کی بکوبیم؟



حمید هاشمی

کیفیت نامرغوب نان در بوشهر، بارها مورد اعتراض مردم قرار گرفته است. قبل از برداشتن یارانه ها، وعده های زیادی از سوی مسئولان داده شد که بزودی کیفیت نان عالی می شود ولی نه تنها خبری نشد که وضعیت آن بدتر هم شد. بعد از حذف یارانه ها و عرضه نان به صورت آزاد، مردم امیدوار بودند که از تخلفات فروش آرد به قیمت آزاد کاسته شده و آردهای مرغوب در نانوایی ها به نانهای با کیفیت در دست مردم تبدیل شود، اما افسوس که این انتظار نیز برآورده نشد و فقط مردم نانهای بی کیفیت را با قیمت بالا به خانه بردند.

جهانبخش استاندار بوشهر هم که در بدو ورود به بوشهر در تیر ماه ۸۹، با انتقاد از وضعیت خراب نان در بوشهر گفته بود که نان این شهر را حیوانات هم نمی خورند و قول بهبود این وضعیت را داده بود، در طی این مدت نه تنها نتوانست کاری برای نان مردم بوشهر کند که در یک اظهار نظر عجیب، راه حل جدیدی را برای بهبود کیفیت نان بوشهر پیشنهاد نمود.

به گزارش سایت خلیج فارس استاندار بوشهر در اظهارنظری که از یک برنامه زنده رادیویی پخش می شد، گفت: مردم بوشهر نجیب هستند و برخی نانواها از این نجابت سوء استفاده می کنند، اما از آنها می خواهم تا نان نامرغوب را بر سر نانوا بزنند.

جهان بخش که در برنامه زنده «مردم و مسئولین» از رادیو بوشهر حضور یافته بود، در پاسخ به سوال طالب پور مجری این برنامه که گفت برخی پیامک های مردمی به گلایه از نان بوشهر اختصاص دارد، اظهار داشت: پس از آزاد شدن قیمت نان، انتظار می رفت که مردم خودشان ناظر و بازرس نانواها باشند، اما نجابت مردم استان باعث شد تا برخی نانواها دست به سوء استفاده بزنند.

استاندار بوشهر سپس ادامه داد: ببخشید این حرف را می زنم، ولی از مردم می خواهم اگر نان نامرغوبی به دست شان دادند، نان را بر سر نانوا بزنند. از این بالاتر بگویم؟

بیان این سخنان بقدری عجیب بود که با واکنش های بسیاری روبرو شد از جمله اینکه یکی از کابران این سایت در پیام مردمی نوشت: استاندار محترم بفرمایید با چه ابزاری توی سر مدیران نالایق شما در برخی ادارات بزنیم." ۱ – با اسناد و سندهای مالی صوری که به عنوان جذب اعتبار تهیه و تنظیم شده ۲ – با آجر و پاکت های سیمانی پروژه های نیمه تعطیل ۳ – با لوح تقدیرهای ارسالی از طرف حضرتعالی و معاونین شما برای کار انجام نشده ۴ – با فیش های اضافه کاری ها و ماموریت های که خود آنان برای خود صادر و به حساب خودواریز می کنند ۵ – با نفرت از ادا در آوردن آنان که از دین و نظام و اصولگرایی برای بقای خود هزینه کردن ۶ – با نامه هایی که در آن با حاشیه سازی برای کارکنان و حذف آنان تلاش شده ؟" و یکی دیگر از کاربران در تکمیل این سخنان، نوشت: " در ادامه فرامین دولت یار، دارو را باید زد تو سر داروخانه دار و دکتر، تکه های آسفالتو تو سر شهردار، سینما را تو سر ارشاد، پیکان را تو سر ایران خودرو، خرماهای باد کرده را تو سر نماینده، میگو ۲۰۰۰۰ تومانی را تو سر شیلات، گیلاس ۴۰۰۰ تومانی را تو سر جهاد، و..."

بیان این سخنان و واگذاری بهبود وضعیت نان که باید از سوی دستگاههای دولتی از جمله فرمانداری و استانداری صورت گیرد، به مردم، قبل از هر چیز نشان از ضعف نهادهای مسئول در بهبود وضعیت نان بوشهر دارد.

واکنش های صورت گرفته به این سخنان استاندار باعث شد تا وی در نشست کارگروه اشتغال استان بار دیگر به موضوع نان اشاره کند و با اشاره به درج خبری از اظهارات اخیرش در سایت «خلیج فارس»، گفت: این سایت شیطنت می کند، اما پاسخی نمی دهیم تا افسرده نشود.

جهان بخش در پنجمین نشست کارگروه اشتغال استان ، با بیان اینکه مردم باید در قبال فروش نان بی کیفیت سکوت نکنند، ادامه داد: البته برخی سایت ها از جمله «خلیج فارس» در خصوص اظهارات اخیر بنده درخصوص نانواها شیطنت کردند که پاسخی نمی دهیم تا افسرده نشوند.

وی افزود: واقعیت آن است که زمان ورود بنده به بوشهر کیفیت نان استان مناسب نبود و اگر آن را به پایین تر از بنده هم می دانند، نمی خورد، اما پیگیری و تلاش های صورت گرفته در این مدت در جهت ارتقای آن بوده و تشویق نانواهای برتر را نیز در دستور کار داریم.

گزارش «خلیج فارس» می افزاید: یکی از مدیران حاضر در این نشست همزمان با طرح سخنان استاندار در خصوص نانواها، یادداشتی را به وی رساند.

استاندار پس از مطالعه این یادداشت توضیح داد: در این برگه یکی از مدیران نوشته وقتی در خصوص نان بی کیفیت به نانوایی سه راه خیابان شهید عاشوری بوشهر تذکر دادم، نانوا پاسخ داده که همین نان را داریم، اگر نمی خواهی نبر! بعد هم من گفتم که این گونه نباید به مردم پاسخ دهی و با ۱۱۰ تماس می گیرم!

جهان بخش بدون اشاره به نام فردی که این یادداشت را به دست وی رسانده، ادامه داد: وقتی مدیری برای برخورد با نان بی کیفیت بجای پیگیری از طریق روش های پیش بینی شده، می خواهد سراغ پلیس برود، چه انتظاری از دیگران داریم؟

وی افزود: در زمینه شکایت از کیفیت نان بازرگانی، اصناف و نهادهای مربوطه باید به مردم پاسخگو باشند.

گرچه استاندار بوشهر به صراحت سخنان خود را مبنی بر کوبیدن نان نامرغوب بر سر نانوایی ها را تکذیب نکرد و معلوم نشد که در انعکاس این مطلب که از برنامه زنده رادیویی پخش شده است، چه شیطنتی رخ داده است، اما نانهای نامرغوب همچنان بر روی دست مردم بوشهر مانده است و معلوم نیست که بالاخره باید آنرا بر سر چه کسانی زد؟!

سرانجام کلیدی ترین برنامه مدیریتی استاندار بوشهر!

مساله ای به نام "کیفیت نان"

مسعود سعیدی

روزهای آغازین فعالیت آقای جهانبخش در استاندار بوشهر با اعلام این موضوع از سوی ایشان شروع شد که نان مشکل کلیدی و اصلی مردم استان بوشهر است و حل مشکل نان اولویت دار ترین برنامه استاندار جدید!! در سومین روز کاری خود در اولین نشست مطبوعاتی خود اظهار داشتند: "نانی که در بوشهر طی ۳ روز حضورم دراستان به بنده داده اند حیوان هم نمیخورد، ازاینرو تا روزهای آینده با حضورخبرنگاران این ۲،۳ نانوا را تعطیل میکنیم."

وی افزود: دومین جلسه رسمی بنده با نانواها خواهد بود که هفته آینده آنها را یکجا جمع کرده و با نانواها اتمام حجت میکنم، زیرا انصاف نیست زحمات کشاورزان توسط نانوایی ها هدررفته و نانی تولید شود که حیوان هم نمیخورد.

استاندار بوشهر بدین ترتیب اولویت دارترین و به نظر خودشان مهمترین مساله مردم را موضوع کیفیت نان اعلام کردند و رسما به مبارزه با این مساله در استان برخواستند.

هر چند این موضوع از سوی امام جمعه محترم شهرستان دیر مورد نقد قرار گرفت و ایشان اظهار داشتند:

استاندار بوشهر میتواند بجای پرداختن به بحث نانواییها که بحث چندان کلانی بشمار نمیرود به نیازهای مهمتر مردم این استان از جمله اشتغال بپردازد و پیگیری معضلات و کمبودهای نانواییهای را به مسئولان مربوط و مقامات پایینتر بسپارد.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی افزود : شایسته نیست که استاندار بوشهر تمام وقت خود را صرف پیگیری معضلات نانواییها کند و از سایر وظایف کلانی که برعهده دارند غافل شوند و توصیه میکنیم به ایشان که به امورات مهمتر این استان بپردازند.

استاندار همچنان بر این باور بود که اولویت دارترین مشکل استان بوشهر مساله نان است!

رضا معتمد نیز طی مقاله ای تحت عنوان که "مخالف عملگرایی نباشیم" از این راهبرد و برنامه کلیدی استاندار به عنوان یک برنامه عملی مهم و قابل ارزیابی دفاع کردند و اعلام نمودند در صورت حل این مشکل از سوی استاندار ایشان به عنوان موفق ترین استاندار بوشهر خواهد بود.

اما پس از گذشت حداقل یک سال از ماجرا سرانجام ماجرای نان در استان بوشهر این شد که پس از یک بررسی، تحقیق و ممارست یک ساله، استاندار بوشهر راه حل مشکل نان را در این یافتند که نان بی کیفیت را باید بر سر نانوا کوبید و در نتیجه با نهایت صلابت و اقتدار اعلام نمودند که "ببخشید این حرف را میزنم، ولی از مردم میخواهم اگر نان نامرغوبی به دستشان دادند، نان را بر سر نانوا بزنند. از این بالاتر بگویم؟"

و با توجه به مقاله رضا معتمد اکنون نوبت مردم است که استاندار خود را بر اساس عملکردش در محوری ترین و اولویت دارترین برنامه اش ارزیابی نموده و قضاوت نمایند!

آیت الله صفایی بوشهری:

روند ساخت راه آهن بوشهر – شیراز تسریع شود

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر گفت: روند ساخت پروژه راه آهن بوشهر – عسلویه – شیراز که هم اکنون ۴ سال از شروع عملیات ساخت آن می گذرد، تسریع شود.

به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله غلامعلی صفایی بوشهری در نشست با وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه اجرای این پروژه از سال ۸۶ آغاز شده است، افزود: باتوجه به استراتژیک بودن و نقش استان بوشهر در توسعه کشور تسریع در ساخت این مسیر ریلی ضروری است.وی با اشاره به اینکه این پروژه با مشارکت ۵۰ درصدی وزارت راه و شهرسازی و نفت در حال اجراست، اظهارداشت: روند ساخت ایت پروژه هم اکنون به دلیل کمبود اعتبارات از برنامه زمان بندی شده عقب افتاده است.

امام جمعه بوشهر با بیان اینکه دفتر راه آهن استان بوشهر راه اندازی شود، افزود: فقدان یک دفتر مستقل در استان بوشهر پروژه راه آهن بوشهر – شیراز– عسلویه با کندی روبرو کرده است.

دوست از دست رفته ی بچه ها

به بهانه نهم شهریور سالروز خاموشی زنده یاد صمد بهرنگی

اسد کرمی



راجع به صمد بهرنگی زیاد نوشته اند. مخصوصا در نشریات ارگان های گروه ها و احزاب سالهای انقلاب ۵۷ و هر یک به نحوی سعی در مصادره ی او به نفع خود داشته اند. من نوشته ی خود را با یک سوال آغاز می کنم. چرا صمد مثل سایر آموزگاران روزگار اختناق و جهل نبود و به معنای واقعی کلمه "معلم" بود؟ لکن قبل از آن اشاره ای مختصر به زندگی صمد خواهیم داشت:

صمد بهرنگی در سالهای پر آشوب دهه ی ۲۰ یعنی در دوم تیرماه سال ۱۳۱۸ در خانواده ای آذری و در محله ی چرنداب تبریز متولد شد که پدرش کارگر زهتابی (روده چینی) و با درآمد ی بسیار کم بود. فقر همراه با شرافت و آبرومندی خانواده و بیکاری های مستمر پدر و آشوب آن سالها، بجای آنکه صمد را عاصی و طغیانگر نماید به دلایلی که مختصرا در ادامه خواهم گفت به انسانی بدل نمود که دردمندانه در پی چاره بود و این چاره سازی را از تربیت کودکان و نسل بعد پیگیری می نمود تا انسان هایی را تربیت نماید که شجاعت پرسیدن، نه گفتن، تحمل نه شنیدن، پرکار بودن و ... را در وجود خود داشته باشند. صمد که بیکاری مداوم پدر را دیده بود، بعد از اخذ سیکل به دبیرستان فردوسی که در واقع به دانشسرای معلمی ختم می شد روی آورد. در سال قبل از دانشسرا و همراه با دیگر دانش آموزان همفکر به یاری دولت ملی پیشوا دکتر مصدق پرداخت تا جایی که حتی درب خانه آشنایان میرفت و آنها را برای یاری دولت ملی به خرید اوراق قرضه تشویق می نمود.

در سالهای دبیرستان و دانشسرا با یاران همگام بعدی آشنا شد که هر یک از آنها تحت تاثیر زندگی، قلم، اندیشه و شخصیت صمد به راهی سراسر افتخار و مبارزه رفتند. به نوع گرایش حذبی و مبارزاتی آنها کاری نداریم و در تایید یا رد آن نیستیم اما همینقدر برایم با ارزش است که صمد گویا از آغاز معلم بوده است. چرا که در بین دوستانش نیز کسانی تربیت نمود که جسارت "نه" گفتن به هیئت حاکمه آن روز را یافتند و گوشه ی عافیت را وانهاده و تا مرگی سرخ پیش رفتند.

صمد وقتی که در دانشسرا با متون ترجمه شده ی علوم انسانی تهیه شده در آمریکا روبرو شد با تعجب و حیرت می گفت: "چطور اولیا امور درصدد پیچیدن نسخه برای کودکان دهات و روستاهای ما هستند که آن نسخه در آمریکا کاربرد دارد، کدام کودک روستایی است که صبحگاهان دست و روی را با صابون بشوید، بابا و مامان را ببوسد، صبحانه ای مفصل میل کند، کوله پشتی زیبایش را برداشته و دست در دست دوست دختر کوچولوی خود راهی مدرسه هایی زیبا و خوش بنا گردد..." مگر اولیا امور نمی دانند که بچه های روستاهای ما به خاطر نخوردن صبحانه و نداشتن شام در شب دوشین، حتی تا ظهر از فرط گرسنگی در کلاس درس رنگ از چهره برده و بیحال می شوند، چه بسیار کودکانی که در انتهای صف راه می روند تا وصله های رنگارنگ پشت شلوارشان باعث مضحکه توسط دوستانشان نشود.

در این زمان صمد با یاران همفکرش (بهروز دهقان– کاظم سعادتی– مناف ملکی و ...) آشنا شده و در هفته نامه ی خنده به حساب اکثر مدیران فرهنگ آنزمان و با طنزهای گزنده می رسید. ولیکن علیرغم همه تنگناها توسط ساواک، لحظه ای از پا نمی ایستاد. در این اوضاع به امید یافتن گوش شنوایی در پایتخت، موشکافانه و با صبر عجیبی دست به نگارش کتابی زد که برای تمامی دوران ها مفید و موثر خواهد بود: "کند و کاوی در مسائل تربیتی ایران".

یک روز از کوچه ای می گذشت، صدای فریادهای کودکی رنجور که از دست نامادریش به شدت کتک می خورد، شنید. کودک با سر و رویی خون آلوده خود را به پاهای صمد چسبانید و به او پناه آورد صمد خواست چیزی بگوید اما گریه امانش نداد. ملتمسانه به پای زن بابا افتاد و او را قسم می داد و بعد تا مدت ها به درب خانه ی آنها می رفت تا حال و روز آن کودک را جویا شود. و همین رویداد به خلق قصه ی "الدوز و کلاغها" منجر گردید.

اما صمد با کودکان این دیار حرف ها داشت. لذا به خلق آثار متعدد دیگری روی آورد و همه آنها را برای آنکه جسارت ابراز وجود را به کودکانی ببخشد که نسل اندر نسل در سرزمینی زیسته بودند که تحکم و اختناق، سایه بر سرشان افکنده و ایفای نقش ثانویه را در کردار آنها نهادینه کرده بود. لذا این بار به خلق اثر بیاد ماندنی "ماهی سیاه کوچولو" همت گمارد و از خود، امضای ویژه ای در ادبیات کودک این سرزمین به یادگار گذارد.

عباس مهیار که خود اهل قلم و از دوستان صمد بوده است در خاطراتی که به کیوان باژن گفته است و مربوط به زمانیست که مهیار مدیر مدرسه در روستای آذرشهر و صمد نیز معلم آن دبستان بوده است یادآور می شود که: "یک روز سر و صدا و فریادهای عجیبی به گوش می رسید سراسیمه به سمت کلاس صمد رفتم که دیدم با دو انگشت شصت خود، به صورت شاخ بر روی همان کلاه پشمی معروفش گذاشته و همراه با بچه ها فریاد می زند. به او گفتم صمد این چه کاریست؟ گفت آقای مهیار به موقع آمدی، بیا، بیا.بچه های مدرسه ات دارند داد زدن و فریاد زدن یاد می گیرند!! خندیدم و برگشتم و بعد از مدتی اوضاع به حالت عادی برگشت."

مهیار می گوید: "در آن سالها کتابخانه ی ما یکی از غنی ترین کتابخانه های مدارس سراسر آذربایجان شده بود. صمد با پول حقوقش و از هر کجا که می توانست و از دوستانش که معروف و اهل قلم بودند مثل سیروس طاهباز، غلامحسین ساعدی، فروغ فرخزاد و ... کتاب برای بچه ها می آورد و همه ی آنها را اهل کتاب کرده بود."

و سرانجام: بعد از آشنایی صمد با آل احمد (در کنگره نویسندگان ایران در تبریز و سپس در تشییع جنازه جهان پهلوان تختی)، صمد را به تهران و برای نگارش کتاب "الفبا" جهت تعلیم زبان فارسی به کودکان اقوام غیر فارسی زبان دعوت می کنند. پس از پایان نگارش وقتی صمد میداند که می خواهد کتاب او را با سپاس ویژه از دربار و همراه با تصاویر شاه و شهبانو به چاپ برسانند بدون آنکه به مبلغ هنگفت پیشنهادی بیندیشد شبانه به تبریز برمیگردد. پیگیری همراه با تهدید و تطمیع مسئولین نیز بی اثر می ماند، عضو بلندپایه ساواک وارد معرکه میشود. بالاخره یکی از کسانی که صمد دست او را گرفته بود بنام حمزه فراهتی به صمد نزدیک تر شده و او را برای سفر به روستای "شام گوالیک" دعوت می کند. در نهم شهریور ماه حمزه فراهتی ناپدید شده و سرانجام جسد صمد بهرنگی را در ۱۲ شهریور ۴۷ در میان رودخانه ارس پیدا می کنند. رودخانه ای که در آن ایام از سال به شدت کم آب بود و در واقع سناریوی طراحی شده توسط ساواک به شدت ضعیف نوشته شده بود و هیچکس غرق شدن او را باور نکرد. چنانکه خودکشی تختی را هیچکس باور نکرد. روز خاکسپاریش از میان شهر تبریز تا گورستان امامیه غوغایی بود که تولد دوباره و جاودانه ی صمد را نوید میداد. پدرش با صلابت و جبروت و گویی از مدت ها پیش منتظر جنایت هیئت حاکمه و رقم خوردن چنین سرنوشتی برای عزیزترین فرزندش را انتظار داشته است، میگوید: "بخواب پسرم، پسر خسته ام، چه بسیار شب ها که نخفتی، دست بر قلبت می گذاشتی و می گفتی پدر! نمی دانی این تو، چه ها دارم از عشق به بچه های این دیار". اکنون بر مزار او حک شده است:

دوست از دست رفته ی بچه ها – صمد بهرنگی

و قطعه شعر: ای بی وفا بهار

پارینه چون به کلبه ی من آمدی به ناز
عطر شکوفه های تو چشمم به خواب برد
لبخند غنچه های تو نشکفت در دلم
مهتاب دلکش تو به چشمم سیاه ماند
پرواز شعله های تو در روح من فسرد

و لیک اکنون پس از سالها، غنچه های اندیشه ی صمد در دل تک تک فرزندان خانواده های اصیل و اهل اندیشه ی ایران زمین شکفته شده و حق اوست که آسوده بخوابد. تولدت مبارک صمد عزیز...

نسیم جنوب ۶
دیدار
شماره ۶۳۵ یکشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۰
NASIM JANOUB

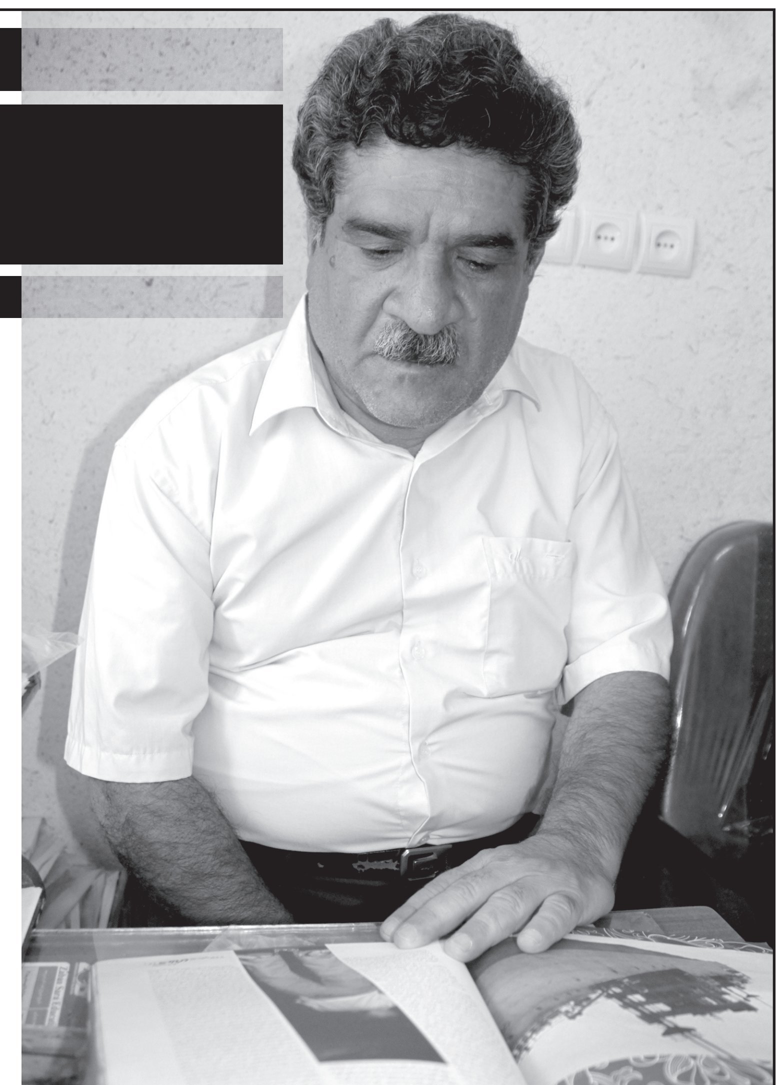
از کار افتادن ماشین حواس ظاهری

حسین پورصفر

سرکار منصور قلی هنوز زن نداشت. او با من، راحله و پرویز، تو یه چاردیواری زندگی می کرد. من همون جور که تو قولنامه ی بنگاه املاک اندیشه ثبت شده؛ موجرم و او مستاجر.
یه فضای مسقف ۳/۵*۳ متر، اتاق من، راحله و پرویز، از اتاق سرکار منصور قلی جدا می کنه.
متعلقات فضای مسقف؛ یه میز چوبی، یه صندلی فلزی، یه مانیتور ال جی، یه کیس که من مارکش بخاطر نمیارم، یه موس نقره ای، دو باند ۱۰ در ۲۵ قهوه ای ، ۳ متر سیم ۲/۵ با روکش سفید و ۲ متر سیم سیار ۴ مشکی که دو شاخش همیشه به پریز وصله. پریز، ۱۲۰ سانت از کف ارتفاع داره.
پرویز گرچه، پسر من و راحله ست، اما از نظر قامت، رنگ چشم و کلفتی ابرو، به من و راحله شباهت ندارد. راحله می گه او به دائیش، رستم پنجه رفته!
از رو صندلی بلند می شم و از پشت قاب شیشه ای به داخل اتاق سرکار منصورقلی سر می کشم؛ منصور قلی با یه زن جوان و یه دختر دو، سه ساله، توی اتاق نشسته ن!
در چوبی ۲ متر در ۱ متر اتاق منصور قلی ، یک متر پائینش، یکپارچه از چوب روسی و به رنگ چوب بود و یک متر بالائیش از شش قاب شیشه ای ۲۵*۲۰ تشکیل شده بود.
برمی گردم پشت میز، خم می شم، کیس را روشن می کنم و به دور و بر و پشت سرم نگاه نمی کنم. یه نفر اما پشت سرم به من نگاه می کند! سر برمی گردانم و او کف دست راستش را سفت می چسباند زیر گلویم و فشار می دهد. دارم خفه می شم؛ غریبه س، شکل و شمایلش مثل آدمهای بی آزار و معمولی ست و سبیلش سفید است و خشمگین دارد، گلویم را فشار می دهد!
فریاد می کشم پرویز، پرویز!
آدم معمولی سبیل سفید، گلویم را رها می کند، بدون شتاب می رود بطرف راه پله و از پله ها پائین می رود. یادم می آد که چاردیواری من، راحله و پرویز، یک طبقه ست!
هنوز ترس از خفه شدن، جلو چشمم هست که سیروس گچ کار از اتاق منصور قلی بیرون می آد و با لبخند می گه ترسیدی، خواب دیدی؟
می گم الان خیالم راحت شد!
سیروس گچ کار می گه مهم نیس، این اتفاقها، همیشه برای همه می افته!
با سیروس گچ کار راه می افتم و از پله ها پائین می رم؛ پله ها گچی و پوستشان ورق کرده. پله ها، طولشان ۷۰ سانت، عرضشان ۲۰ سانت و ارتفاعشان ۳۰ سانت بود.
در حیاط نیمه بازه. سیروس گچ کار از در حیاط می ره بیرون!
می ترسم. برمی گردم تو اتاق. پرویز لخت وسط اتاق ایستاده؛ مامان کو؟ رفته مغازه ی عمو بابا! مغازه ی عمو بابا؟ رفته برام پفک بخره!
می روم گوشه ی اتاق، پتو از تو کمد رختخوابی برمی دارم و پای کمد، زیر پتو دراز می کشم!
صدای راحله بلند می شه سلطان، سلطان!
بعد راحله، بال پتو را بالا می زنه و می گه اتاق رو سرت گذاشتی!
می گم خبری شده، بلند بلند حرف می زدم؟
راحله می گه خیر باشه، خواب دیدی؟
بلند می شم، می شینم و می گم راحله، خونه ی ما، تو خواب، دو طبقه بود!
راحله می گه نون گرفتی؟
می گم نه !
شق می ایستم ، دو دستم را بالای سرم می برم و محکم می کوبم به دو طرف سینه ام و راه می افتم!
در حیاط باز می کنم و می رم تو کوچه. سر کوچه، مرد معمولی سبیل سفید، نان بربری در دست، با قدمهای آرام به طرفم می آد. او بدون اینکه به من نگاه کنه ، از کنارمن رد می شه !
پشت سر مرد معمولی سبیل سفید، ده، بیست نفر، زن و مرد پیر و جوان و بچه بسوی اتاق سرکار منصور قلی می روند!

مصاحبه با نویسنده ، شاعر و منتقد ادبی حسین پورصفر :

از کابوس ها نفرت دارم



مصاحبه ازمحمود بدیه

– از خودتان بگوئید؛ از چه سال هائی نوشتن قصه و شعر را شروع کردید؟
– شعر از سیزده سالگی، از نظر تقویمی سال ۱۳۴۳. داستان از سی و شش سالگی؛ یعنی از سال ۱۳۶۷ .
– چرا اشعارتان آن همه سال منتشر نکردید؟
– از بی دست و پائی و عدم ارتباط با محافل هنری. من تا سال پنجاه بطور مداوم شعر می نوشتم. از سال پنجاه تا سال پنجاه و پنج به دلایلی که فعلا جای بازگو کردنش نیست، سکوت کردم، بعد در سال پنجاه و پنج دوباره موتورم راه افتاد و تا سال شصت سه، سه مجموعه ی شعر جدید آماده برای نشر کردم. از سال شصت تا شصت و هفت دوباره سکوت کردم و از سال شصت و هفت نوشتن شعر و داستان به اتفاق هم شروع کردم که تا به امروز بدون وقفه، همچنان ادامه دارد. حاصل بیست و سه سال اخیر هفت کتاب است (سه رمان ، یک مجموعه ی داستان و سه مجموعه ی شعر). دو رمان و یک مجموعه ی شعر منتشر شده است و بقیه چشم به راه ناشر است. ضمنا در طول این سال ها تعدادی نقد و مقاله ی ادبی نوشته ام که همگی در نشریه ی نسیم جنوب، پیغام جنوب، بیرمی و نیم نگاه منتشر شده اند.
– اگر ممکن است گوشه هائی از اشعار سال های خیلی دورتان را برایمان بخوانید.
– متاسفانه چون تمامی آنها از سر ندانم کاری در سال پنجاه و هفت به آتش کشیدیم، آنها را به خاطر ندارم جز چند مصرع که برای اینکه خودم را سرزنش کنم هنوز بعضی وقت ها زیر لب زمزمه می کنم:

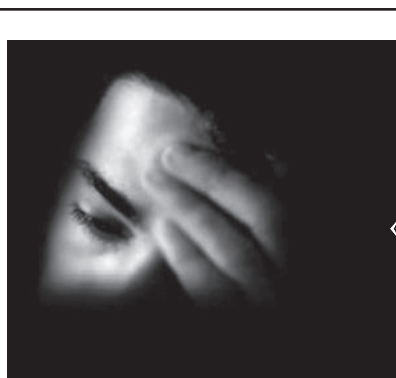
بشکه ی می شده سوراخ و لبم
آرزوی گل نرمی است
که در زیر قدم های دو صد آبله برپای
بجاست

و یک شب که از مراسم دمام زنی محله ی بهبهانی برمی گشتم ، نزدیکی های صبح منظومه ی بلندی نوشتم که فقط سه مصرع آن در خاطرم مانده:

امشب
دریای چشم طبال
جزیره اش را گم کرده است

– بیش تر، چه وقت از سال، یا شبانه روز دست به قلم می شوید؟
– ترجیح می دهم به این مسائل فکر نکنم، ولی پائیز و زمستان و شبها جنب و جوشم برای نوشتن بیش تر است.
– علت علاقمندی شما به شعر و داستان چه بود؟ منظورم این است که توسط چه کسانی، شما تشویق و به این راه کشیده شدید؟
– راستش بارها به این موضوع فکر کرده ام و فکر می کنم علت آن را هم کشف کرده ام. باور کردنی نیست! مشوق اصلی من در صورت ظاهر مادرم بود، کسی که سواد خواندن و نوشتن نداشت، ولی در عین حال، بیش تر دوبیتی های فایز، مفتون و افسانه های عامیانه حفظ بود. می گویم در صورت ظاهر؛ چون بعدها که بزرگتر شدم، بقول خودش، او از اینکه من حقوقم را می دادم و کاغذ می خریدم، سخت با من کشمکش داشت. در کودکی او هر شب برایم قصه روایت می کرد و من بدون اینکه بدانم چرا، محو صحبت های او می شدم و خسته نمی شدم. گاه این روایت ها آنقدر طولانی بود که در یک شب به پایان نمی رسید. این جور وقت ها من بدون اینکه اعتراض کنم، در بستر بیدار می ماندم و قصه را با خودم مرور می کردم. او دو دانگ صدا هم داشت و دو بیتی های فایز و مفتون را با نوای شروه می خواند. علاوه بر اینها بیت خوانی، چاوشی و نوحه های عزاداری هم با اندازه کافی بلد بود و به مناسبت های گوناگون، در مجالس می خواند. در کودکی (دوره ی دبستان) مجموعه ی این هنرها که او عرضه می کرد، سخت بر من تاثیر می گذاشت و همین ها باعث شد که من خلق و خوی ام با همسالانم متفاوت شود و به تعبیر شما که خیلی عمیق است، به این راه کشیده شوم.
– رشته ی تحصیلی شما چیست؟
– شاید به من بخندید! باید بگویم همه رشته و هیچ رشته! در دبیرستان ریاضی خواندم و تصمیم گرفتم به مدرسه ی عالی سینما بروم که بخاطر مشکل مالی ممکن نشد. هنوز چند فیلم کوتاه سوپر هشت، از آن دوران دارم که امیدوارم نپوسیده باشند. بعد در کسوت کارگری، در شرکت ساختمانی هدیش تحصیل کردم. بعدتر بعنوان آموزگار در دبستان روستای اختر (از روستاهای کنگان) خدمت کردم. بعدترش سد کنکور شکستم و به دانشگاه تهران راه یافتم و حقوق سیاسی خواندم. یک سال بعد دانشگاه را ترک کردم و دوباره در کسوت کارگری به کارخانه ی کشتی سازی صنایع دریائی (صدرای فعلی) رفتم. از نو تصمیم گرفتم تدریس کنم. به همین خاطر در آزمون دانشسرای راهنمائی شیراز شرکت کردم و در آنجا دوره ی دو ساله ی تحصیل را، این بار با موفقیت پشت سر گذاشتم و شدم دبیر ریاضی و در خورموج و شهر بوشهر تا سال شصت و دو این خدمت گذاری ادامه یافت. تحصیلات من در رشته های مختلف، بعد از سال شصت و سه، کمتر از دوره ی قبل نیست.
– این تصمیم های متناقص مشکل آفرین و بنظر می رسد عقلانی نیست، ولی علی رغم تمام عیب و ایرادی که به آن می توان گرفت، نشان می دهد؛ شما آدم با اراده ای هستید، این طور نیست؟
– شاید، ولی این ویژگی، مثل دیگر ویژه گی های زندگی، همیشه چیز خوبی نیست!
– شما از این همه فراز و نشیب در زندگی تان پشیمان نیستید؟
– اصلا پشیمان نیستم! این همه فراز و نشیب بقول شما، در زندگی من و هر کسی، نه غیر عقلانی، که حماقت است، ولی همین تجربه های متناقض در زندگی، هنگام نوشتن، عصای دست من است!
– برخی از نویسنده ها (بطور کلی هنرمندان) به مطالعه خیلی اهمیت نمی دهند! شما چطور؟
– این واقعا مایه ی تاسف است! این جور نویسنده ها یا به پایان خط رسیده اند، و یا چند صبای دیگر به پایان خط می رسند. نویسنده ای که به مطالعه اهمیت نمی دهد، بهتر است، ننویسد! در مورد خودم، باید بگویم؛ من بدون اغراق و خوب یا بد، از مطالعه کردن، بیش از نوشتن لذت می برم. یک لحظه از سر خودخواهی تصور کنید؛ مولف کتابی که در دست دارید، خود شما هستید! بدون اینکه بدانید در باره ی کدام موضوع و چگونه نوشته اید! لذتی از این بیش تر ممکن است؟
– شما تا به حال دو رمان و یک مجموعه ی شعر منتشر کرده اید. رمان «هیاهوی پنهان» در سال هفتاد و نه و رمان «لابه ی لذت» و مجموعه ی شعر «رستوران کوچک واقعیت» در سال هشتاد و شش. از اینکه دیر دست به انتشار آثارتان زده اید، پشیمان نیستید؟
– اگر به هر دلیلی بگویم پشیمان نیستم، واقعیت را نگفته ام. تجربه ی زندگی دیگر نویسندگان و شاعران نشان داده است که رشد طبیعی فعالیت هنری، لازمه ی شناخته شدن در جامعه ی هنری است. من از این بابت فرصت های بسیاری از دست دادم.
– استقبال از کتاب هایتان چگونه بود؟ آیا راضی هستید؟
– استقبال از کتاب که جای خودش دارد. من تردید دارم که این کتاب ها غیر از سه استان، در استان دیگری توزیع شده باشد!
– استقبال از کتاب معمولا توسط جوانان صورت می گیرد. چرا جوانان دوره ی معاصر در مقایسه با نسل گذشته، به مطالعه ی داستان و شعر اهمیت نمی دهند؟
– بی علاقگی، یا بهتر است بگویم کم علاقگی قشر جوان معاصر نسبت به ادبیات، دلیل بر کم علاقگی آنها نسبت به هنر نیست. درست است که تیراژ کتاب شعر و داستان در جامعه ی هفتاد میلیونی ما، فقط هزار نسخه است که بیش ترش در انبارها و یا پستوی خانه ها خاک می خورد، ولی نباید فراموش کنیم که استقبال این قشر از تماشای فیلم، سریال داستانی و گوش دادن به موسیقی (تصنیف) خیلی بیش تر از اینهاست. (بحث برسر کیفیت و چگونگی تحول آثار هنری در حوصله ی این گفتگو نیست.)
– بدون تردید، نقش مخاطب در چگونگی تحول اثر هنری موثر است، شما مقوله ی مخاطب را، چگونه ارزیابی می کنید؟
– در تحلیل نهائی، هر اثر هنری مخاطب خاص خودش را دارد. با توجه به متنوع بودن مخاطب، تصور اینکه اثر هنری، برای اقشار و افراد گوناگون به یک میزان دست یافتنی و لذت بخش باشد، امری دشوار است، ولی هنرمند همواره سعی می کند با افراد و اقشار گوناگون گفتگو و تبادل نظر کند.
– برخی قشر جوان معاصر را برخلاف قشر جوان دوره ی گذشته به اجتناب از مطالعه ی جدی و همه سویه، دوری از پیگیری مسائل اجتماعی، عدم تعصب نسبت به باورهایشان و بی عملی متهم می کنند. نظر شما چیست؟
– به گمان من نسل جوان دوره ی معاصر؛ نوعی آنتی تر در مقابله با نسل جوان دوره ی گذشته است. در پاسخ به پرسش شما و القابی که فرمودید ؛ برخی به قشر جوان معاصر نسبت می دهند، باید بگویم؛ مطالعه ی جدی و همه سویه، از آن جا که امکان پذیر نیست، نوعی کم مایگی است و اگر به غرور آلوده شود، فاجعه می آفرینند! دوری از پیگیری مسائل اجتماعی، اگر به معنای دوری از قالب ها و شیوه های پیگیری مسائل اجتماعی در گذشته است، نیاز به گفتن نیست که به دنبال حوادث چند دهه ی اخیر، قالب ها و شیوه های گذشته پاسخگوی نیازمندی های زندگی اجتماعی کنونی نیست! در مورد سوم، همان بهتر که انسان نسبت به باورهایش در عین اعتقاد، تعصب نداشته باشد و در مورد چهارم تا عمل را در شرایط مشخص و معین چطور معنا کنیم!
– اشاره کردید به علاقمندی نسل جوان معاصر به هنر، در مقایسه با نسل جوان گذشته، شما ویژگی اندیشه و بینش نسل معاصر را چگونه ارزیابی می کنید؟
– به نظر من، نسل معاصر در مقایسه با نسل گذشته، بیش تر برون گرا است، بیش تر واقع بین است و به تبع آن بیش تر رفتار گرا است. این ویژگی از آنجا که در نسل گذشته کم رنگ، یا بی رنگ است، نسل معاصر نسبت به نسل گذشته بی اعتماد است. در نتیجه طغیان گر است و در پروسه ی زندگی اجتماعی، به هنجارهای نسل گذشته بها نمی دهد.
– اما جوانان دهه ی چهل و پنجاه، با اینکه در دهه های بیست و سی حضور نداشتند، نسبت به ارزش های نسل پیش از خود، دست به هنجار شکنی نزدند، چرا؟
– در حوزه ی فعالیت هنری، حق با شما است، ولی در حوزه ی فعالیت سیاسی با شما موافق نیستم. نباید از یاد ببریم که در چند دهه ی اخیر، فعل و انفعالات گوناگون در جوامع مختلف صورت گرفته و اساسا تمام مقولات زندگی اجتماعی به پرسش گرفته شده اند!
– با توجه به اینکه بحث ما حول فعالیت ادبی است، شما هنجار شکنی در عرصه ی ادبیات را چگونه ارزیابی می کنید؟
– هنجار شکنی در عرصه ی ادبیات با پیدایش شعر نو، رمان نو و بطور کلی ادبیات معاصر آغاز شد. ویژگی ادبیات معاصر، تعریف دوباره از مقولات حوزه ی فعالیت هنری بود. در این راستا، عناصر داستانی از قبیل متن، راوی و مخاطب مورد بازبینی قرار گرفت و تکثر، عدم قطعیت و فردیت که در ادبیات کلاسیک تحلیل رفته بود، جایگاه واقعی خود را به دست آوردند.
– تصور نمی کنید، ادبیات معاصر در مقابله با ادبیات کلاسیک، آثار بزرگ ادبیات گذشته، اعم از شعر و داستان را به چالش می کشد؟
– ادبیات کلاسیک به علت ناتوانی به پرسش کشیده نمی شود، بلکه اتفاقا به دلیل کامل بودن است. یکی از فلاسفه ی قرن نوزدهم، تعبیری در باره ی فلسفه ی هگل دارد. او می گوید: «فلسفه ی هگل چون کامل شده است، زمان از او پیشی گرفته و تمام شده است.» این تعبیر در مورد ادبیات گذشته و کلاسیک مصداق دارد. این دگردیسی در شعر بنا به ماهیتش، بی پرده آشکار می شود، ولی در رمان، با توجه به عوامل متنوعی که در روایت دخالت دارند، درک این دگردیسی دشوار تر است.
– در مورد موسیقی چطور؟ پروسه ی هنجار شکنی در مقایسه ی موسیقی کلاسیک و سنتی با موسیقی معاصر پر افت و خیز و سئوال برانگیز است. با توجه به رشد ناموزون موسیقی تلفیقی معاصر (تصنیف) آینده ی موسیقی کلاسیک و سنتی را چگونه ارزیابی می کنید؟
– موسیقی از آنجا که جنبه ی کاربردی اش در زندگی روزمره، میان اقشار و افراد گوناگون، بیش از دیگر شاخه های هنر رواج دارد، شیوه های هنجار شکنی در این حوزه، بیش تر به چشم می آید. بدون تردید شیوه های گوناگون هنری به این دلیل تولید و به بازار عرضه می شوند که تاریخ مصرف دارند. موسیقی تلفیقی معاصر (تصنیف)، گرچه مملو از حشو و زوائد و ناهمگونی در شکل و محتوا است، ولی از آنجا که تجربی و بی ادعا است، بگمان من چشم انداز روشن تری برویش پدیدار است. نباید فراموش کرد که سمت و سوی ادبیات معاصر، اعم از شعر و داستان، علی رغم بهره برداری از اشکال نوین ادبی، به سمت تجربه گرائی و کم ادعائی است.
– شما به انواع ادبی اشاره کردید! نقش انواع ادبی، در تحول ادبیات معاصر را ، چقدر موثر می دانید؟
– بدون شک، نقش انواع ادبی ، بطور کلی در تحول ادبیات تعیین کننده است. ما همانگونه که در محاوره و گفتگو با دیگران سعی می کنیم، از شیوه های مطلوب و همه سویه استفاده کنیم، اثر هنری هم در گفتگو با مخاطب، از شیوه های نوین، همه سویه و بسامان بهره برداری می کند. از آنجا که اثر هنری برآیند جدائی ناپذیری شکل و محتوا است، افراط و تفریط در سودورزی از شکل و محتوا، تولد اثر هنری را به تاخیر می اندازد. در این رابطه، «کارلوس فوئنتس»؛ متفکر، نویسنده و منتقد ادبی مکزیک، در پاسخ به منتقدان جزم اندیش می گوید: «من انواع ادبی نیستم، من نویسنده ام!» مقایسه ی شعر دهه ی هفتاد (۱۳۷۰) و دهه ی هشتاد (۱۳۸۰) که شاعران معاصر در هر دو دهه حضور فعال داشتند، از این نگاه درس آموز است.
– فعلا روی کدام کتاب کار می کنید؟
– مجموعه ی شعر آخرم را بازنویسی و ویرایش می کنم.
– آخرین کتابی که مطالعه کرده اید، کی و کدام کتاب بود؟
– «سگ فیلسوف» اثر رایموند گایتا. این کتاب هنوز منتشر نشده است. یک روایت فلسفی است درباره همزیستی انسان ها و جانوران. نویسنده با تیزهوشی، شکل و محتوای این مناسبات را مطرح می کند و انگیزه ی علاقه و دشواری ها را، با نگاهی فلسفی به بحث می گذارد. از آنجا که من پیش تر، بیش از ده ماه (از تولد تا یازده ماهگی)، در یک چاردیواری، با یک سگ به نام تیوو زندگی کرده بودم، تجربه های گایتا برایم ملموس بود واز کتاب سگ فیلسوف و نگاه فلسفی گایتا به روایت، بسیار لذت بردم!
– طرح قصه از کار افتادن ماشین حواس ظاهری چگونه بوجود آمد؟ منظورم این است که چگونه در ذهن شما شکل گرفت؟
– آگاهانه طرحی در کار نبود. من نیمه شب خواب دیدم، از خواب بیدار شدم، پشت میز کارم نشستم و با عجله آنچه در خاطرم مانده بود، تایپ کردم. بعدها این نسخه ی کج و معوج و موهوم را بارها پیرایش کردم و شد داستان از کار افتادن ماشین حواس ظاهری.
– تا به حال به این شیوه، داستان دیگری هم نوشته اید؟
– بله؛ علاوه بر این من شش داستان کوتاه به این شیوه نوشته ام که در مجموعه ی داستانی به همین نام در انتظار ناشر است.
– چرا هفت خواب؟ چرا داستان های بیش تری به این شیوه ننوشته اید؟
– برخی از خوابها بعد از بیدار شدن متاسفانه جزئیاتش را به خاطر نمی آورم. برخی دیگر جزئیاتش را به خاطر می آورم، ولی احساس می کنم؛ ظرفیت تبدیل شدن به روایت داستانی را ندارند. بیشتر وقت ها هم تنبلی می کنم.
– پس شما خواب زیاد می بینید؟
– کاملا همین طور است. بعضی وقت ها از این بابت خودم را سرزنش می کنم !
– چرا؟
– چون در میان آنها کابوس هم می بینم و از کابوس ها نفرت دارم!

سرگردان بین خیال و واقعیت



خوانش داستان «از کار افتادن ماشین حواس ظاهری»

محمود بدیه

آیزاک دینسن می گوید؛ اندوه ها را می توان تحمل کرد ، اگر گوش شنوائی برای شنیدن داشته باشید .
قصه ی حاضر (از کار افتادن ماشین حواس ظاهری) چند ماه پیش، در منزل ایشان خواندم. من همان موقع به لحاظ فرم، یا بهتر است بگویم با این پیش فرض، نوعی قاعده بنیادین که به زمان برش می دهد، متن و هستی قصه را به تعلیق در می آورد، قصه را پسندیدم. منتظر فرصت بودم که بار دیگر آن را مرور کنم. آن چه که در هستی این قصه کوتاه لانه کرده و در تار و پود آن ریشه دوانده و این خانه ی وحشت را بوجود آورده، هراس و عقوبت است. تاکید می کنم؛ راوی یا سلطان، تا قبل از وقوع حادثه، فردی روان پریش و متوهم نیست. برعکس، شخصی واقع بین است. فقط بنظر می رسد در این بین، تنها ماشین حواس ظاهریش از کار افتاده. اما هنوز توانائی و قدرت فکر کردن، تشخیص آن چیزی که خواب می بیند یا در بیداری بر او می گذرد از دست نداده است. چنانچه در جائی به زنش راحله می گوید؛ در خواب خانه ما دو طبقه بود. اما این خواب و بیداری چنان در هم تنیده و با هم در یک فضای سورال یکی شده ، که تشخیص خواب از بیداری غیر ممکن می شود. بطور مثال؛ بعد از آنکه شخصی (گلویش را فشار می دهد و می خواهد او را خفه کند) آدم معمولی از راه پله ها پائین می رود، بلا فاصله یادش می آید و می گوید؛ چهار دیواری خانه من و راحله و پسرش یک طبقه است. اما چگونه است که راوی، واقعیت و ذهن خیال آلودش را در یک سطح عرضه می کند و مثل یک مکمل با تلاقی تضادها، همچون چیزی است که در خودش متکثر ومتناقض است. این واقعیت تلاقی یا هم جواری معما گونه ی متضادهای روایت در چیست؟ این یک اصل کلی ست. آنچه که نزد ما باورپذیر نیست، سعی می کنیم در خیال آنرا ترمیم کنیم. یعنی شوربختی و پلیدیهای آن را دور می ریزیم، بیگانه زدائی آشنا خویش می کنیم و گاه برعکس. زمانی که راوی بعد از واقعه فشار دادن گلویش در سوال به سیروس گچ کار که می گوید؛ ترسیدی؟ خواب دیدی؟ می گوید، حالا خیالم راحت شد. سیروس گچ کار شخصی نیست که گلوی راوی را فشار داده باشد. ولی بعد از دیدار کوتاهی که با او دارد و خانه را ترک می کند راوی دوباره دچار ترس می شود.
حالا اگر بخواهیم در حوزه معنا شناسی و پیچیدگی های فلسفی، حادثه را بررسی کنیم متوجه می شویم که اساسا هر آنچه مهم است در قلمرو معنا رخ می دهد. تصور کنید چقدر ادبیات و هنر به ما امکان می دهد تا بگوئیم به معنائی که پیش از این فاقدش بودیم رسیده ایم. جملات کلیدی را کنار هم می گذاریم و از اول تا آخر مرور می کنیم. خواب دیدی؟ ترسیدی؟ هنوز ترس از خفه شدن جلو رویم هست. آدم معمولی گلویم را رها می کند. کدامیک از این مفاهیم واقعی و کدام خیالیست؟ کدام یکی از آنها باورپذیر هست. یکی از اضلاع دیگر قصه، روایت مدور آن است. دورانی بودن خود فرایند روانکاوانه را به نمایش می گذارد. راوی به اتاق سرکار منصور قلی سر می کشد. آدم معمولی بی آزار می خواهد او را خفه کند. سیروس گچ کار از اتاق منصور قلی بیرون می آید و می گوید خواب دیدی؟ ترسیدی؟ مرد معمولی بی آزار سبیل سفید نان بدست وارد اتاق منصور قلی می شود.
اسلاووی ژیژک در کتاب هنر امر متعالی مبتذل درباره فیلم بزرگ راه گمشده دیوید لینچ کارگردان و فیلم نامه نویس امریکائی می نویسد؛ یکی ازشخصیت های فیلم در ابتدا به گونه ای توضیح ناپذیر در شخص دیگری استحاله می یابد. در پی آن تغییری عجیب را شاهدیم. در ابتدا سرکار منصور قلی در اتاق مجاور سلطان بعنوان مستاجر زندگی می کند. ولی بعد بگونه ای در شخص دیگری (مرد معمولی سبیل سفید) تناسخ می یابد. سیروس گچ کار از اتاق سرکار منصور قلی بیرون می آید. او ساکن همین اتاق است. در مقابل خفه کردن سلطان (ظاهرا او حضوری ندارد) می گوید؛ این اتفاق برای همه می افتد. در آخر مرد معمولی سبیل سفید، نان بدست، به طرف اتاق سرکار منصور قلی می رود. همه ی این اشخاص بنظر می آیند که دارای یک شخصیت واحدند، و در عین اشتراک، وجه مشترکی ندارند و فقط در یک دور تسلسل، این خانه ی وحشت را بوجود آورده اند. گوئی همه ی آنها در بنگاه املاک اندیشه قرار داد اجاره خانه را هم نوشته و هم ننوشته اند.
در این میان یک عبارت کلیدی وجود دارد که همواره همچون یک پیام موکده، تکان دهنده و نامفهوم پیش روی ما ست، آدم معمولی بی آزار سبیل سفید. که چهار بار در متن آورده شده است. در اول قصه با عنوان همانند آدمهای معمولی بی آزارسبیل سفید. در عنوان دوم، آدم معمولی سبیل سفید. عنوان سوم و چهارم همان آدم معمولی سبیل سفید. آمد و شد می کند. اما در هیچ جای داستان راوی مثل مسخ کافکاه توضیح یا اشاره ای به حوادث بوجود آمده نمی کند. فقط او یک بار به اتاق سرکار منصور قلی سر می کشد و اینکه او همیشه بواسطه کامپیوتر با جهان بیرون ارتباط دارد. اما زن دراین وضعیت وحشت زا چه نقشی دارد. زن فقط دو بار اظهار نظر می کند؛ پرویز پسرشان با اون ابروهای کلفت به دائیش رستم پنجه رفته. آیا وقتی که مرد سبیل سفید، گلوی راوی را فشار می دهد و مضروب از پرویز که قطعا بچه ی کوچکیست تقاضای کمک می کند این معنی را متبادر نمی کند که ضمیر ناخود آگاه راوی بدنبال کودک خردسال نیست که مادرش رفته برایش پفک بخرد، بلکه بدنبال قامت بلند و ابروی کلفت و همین اسطوره ایرانی رستم پنجه هست که همیشه در ناخوداگاه ذهن ایرانی سربلند و پیروز و شکست ناپذیر است؟ در جای دیگر زن به شوهرش راوی می گوید؛ نان گرفتی؟ زن، بخصوص زن ایرانی بشکلی فرا واقعی تر می خواهد هستی داشت این جهان شکننده راوی را نگه دارد. می خواهد حداقل های هستی راوی نشکند، در نظر داشته باشید که همین ضمیر ناخود آگاه تاریخی زن ایرانی، فرزند دشمنان را در شکم خود پرورانده. بازخورد این تشخص و برخی عوامل دیگر در زن ایرانی، معنا گونگی رمز آلودی به او، این پیش فرض داده است. مرد در هئیت راوی می خواهد جهان را بشناسد. آن را در دست داشته باشد و بیشتر آن را به پیش ببرد. (راوی با کامپیوترش به جهان وصل است) از طرف دیگر وقتی زن می گوید؛ نان گرفتی؟ این مفهوم، این پیام، این قدر واقعی است که تمام اطلاعات راوی را فرو می ریزد. نگاه کنید به رویکرد متن بعد از فروریزی؛ شق می ایستم. دو دستم را بالای سرم می برم و محکم می کوبم به دو طرف سینه ام و بلند می شوم. اما روایت به جهت بی شکلی، هر چه به پیش می رود بیشتر از ریخت می افتد. قصه هیچ گونه تلاشی در جهت انسجام خود ندارد. همه ی اضلاع و جوارح روایت مثل کاخی در حال فرو ریزیست، چیزی که ما در دست داریم بقایا و تکه تکه های بجا مانده ازچیزیست که قرار است ما درباره آن کاوش کنیم. به زبانی دیگر سفالهای شکسته ومدفون شده در زیر خاک بیرون بکشیم و با امر خیالی که قلمرو تصاویری است که با آن همانندسازی می کنیم. آن را به کمک تخیل بهم بچسبانیم.

چگونه باید جشنواره فوتبالی برگزار کنیم

مجید اصلانی



این مقاله را به بهانه برگزاری جشنواره تابستانه مدارس فوتبال شهر واستان بوشهر براساس آیین نامه برگزاری مسابقات آکادمی ملی فوتبال کشور که ابتدا مسابقات شهرستان درهفته آخر مرداد ماه وسپس مسابقات مدارس استان در هفته اول شهریور ماه در رده های سنی زیر ۱۰ ، ۱۱ و۱۲ سال توسط کمیته اجرایی جوانان واستعداد یابی هیات فوتبال برگزار گردید و تیم مدرسه فوتبال شاهین در رده سنی زیر۱۰ و ۱۲ سال وتیم مدرسه فوتبال زیر ۱۱ سال دانشگاه آزاد عالیشهرموفق به کسب مقام قهرمانی شدند، تقدیم می دارم

طی این سال ها در برگزاری فوتبال پایه هم از نظر کمی وهم کیفی هرچه بیشتر جلو رفته ایم بیشتر دست مان آمده که چه نقطه ضعف وقوت هایی داریم و نمی بایست هدف گریز باشیم. بلکه برای رسیدن به هدف یعنی پرورش وکشف استعدادهای فوتبال بوشهری که می توانند به صورت علمی وآکادمیک وبا نظارت و پشتیبانی به تولید انبوه دردهه نود و در افق ۱۴۰۰ به تولید ناب دست بیابیم . نشانه ونقطه گذاری نماییم. ما عادت کردیم در هرچیزی آزمون وخطا کنیم ولی در جشنواره امسال به پشتوانه آیین نامه برگزاری



تورنمنت مدارس فوتبال کشور ملاک توجه به قوانین ودقت ونظارت و اعتقادهمه به کارهای جمعی ونظم در اجرا وایجاد نشاط که حق همه هست واستفاده بردن حداکثری فوتبالیست های نونهال ونسل فردایی از نشاط جمعی در یک اجتماع ورزشی وادامه این جشنواره در شش ماهه دوم سال ویا تغییر از حالت فصلی به دایمی ، رفته رفته برای مان مشخص می شود که چگونه باید جشنواره برگزار کنیم و با چه اسپانسر هایی ، که همه از ان لذت ببرند .

جشنواره فوتبال اصول مربوط به خودش را دارد ولی در هنگام برگزاری مشکلات اجرایی ، فنی ، داوری واهدا جوایز نیز از نوع فوتبالی اش می باشد که به چشم می آید ودر این راستا می توان اظهار نظر نمود .

این جشنواره تابستانه پایان یافت وبرای بهتر شدن آن در آینده باید از همین امروز برنامه ریزی کرد چون در سال ۹۱ نونهالانی جدید خواهند آمد ونباید از آن ها غافل شویم . رقابت در یک فضای ورزشی به نونهالان انگیزه می دهد و آن ها دوست دارند در کنار سایر شرکت کنند ه ها ی هم سن وسال ، فوتبال پاک شان مقایسه شود و همه می دانیم که در مجموع آدم ها از سنین کودکی تا بزرگ سالی به مسابقه دادن با یک دیگر نیازمندند و دوست دارند دیده شوند وضعف وقوت کار های شان مورد ارزیابی قرار گیرد وبابت قوت ها جایزه و پاداش بگیرند . وجایزه دادن در روحیه تمامی نونهالان اثر مثبت می گذارد که در بزرگی هم نمود می کند . پس همه با هم ، علاقه ها و جذابیت ها وفضا های رنگی وپرجذبه و متنوع برای رده های پایه با همکاری خانواده ها وپشتیبانی شورای شهر ، تربیت بدنی ، هیات فوتبال ، آموزش وپرورش وشهرداری در ورزشگا ه ها ایجاد تا بتوانیم نسل شاداب با روحیه وسرحال وپرنشاطی برای ایران فردا داشته باشیم .

Aslani.blogfa.com

یادداشت های فوتبال یا چهار تصمیم

نادر اقدام



وقتی توپ از گوشه یا از کنار زمین روی دروازه ارسال می شود با توجه به سرعت توپ و فاصله آن تا محوطه ۱۸ قدم و ۶ قدم، اکثرا زمانی کمتر از یک ثانیه بیشتر طول نمی کشد که توپ به محوطه رسیده لذا فوتبالیست هیچگونه وقتی برای فکر کردن نداشته و سریعا بایستی با تصمیم درست و هماهنگ با سایر هم تیمی ها بهترین عملکرد را از خود نشان دهد. چون سریع ترین عملکردها معمولا در محوطه ۱۸ قدم و بخصوص محوطه ۶ قدم دروازه صورت می پذیرد و همین امر سبب می گردد بازیکنان در اثر شتاب زدگی به اشتباه افتاده و با یک اشتباه نتیجه را واگذار کنند. لذا برای جلوگیری از گل خوردن و دفع توپ، در نظر گرفتن ۴ فاکتور و آموزش آن به صورت همزمان بسیار ضروری است که عبارتند از: ۱- فضا ۲- توپ ۳- حریف ۴- زمان که هر ۴ فاکتور در حال تغییر و حرکت و تابع یکدیگر بوده و در اختیار و کنترل ما نیستند. تنها چیزی که در وهله اول ثابت است و می توان موقتا آن را تصاحب نمود فضا است. پس با در اختیار گرفتن فضاهای حیاتی و مارک نمودن حریف، اولین برتری را از تیم حریف می گیریم، اگر چه با حرکت توپ و ارسال آن به سوی دروازه و جابجایی بازیکنان حریف و گذشت سریع ترین زمان این فاکتور هم خواه ناخواه جا به جا می شود.

حرکت بعد ی اولویت بندی دو عامل از سه عامل دیگر است که دفع توپ و مارک کردن بهترین بازیکنان حریف می تواند بهترین گزینه باشد. هنگامی که توپ از گوشه ها به سوی دروازه ارسال می شود در بعضی مواقع با توجه به قانون «اثر مگنس»(۱) بر اثر نوع ضربه زدن با توپ به صورت موزی شکل تغییر مسیر می دهد. و این تغییر مسیر هم در بعضی مواقع در اثر فشار هوا از نقطه حرکت توپ تا رسیدن به محوطه، ۶ تا ۷ متر تغییر مسیر می دهد. لذا فوتبالیست بایستی ضمن آشنایی با قانون «اثر مگنس» از دید بالایی برخورداباشد. اگر شرایط به نحوی است که دروازه بان قادر به خارج شدن از دروازه و دفع توپ نمی باشد یک نفر از مدافعین حداقل بایستی با تشخیص مسیر توپ مأمور دفع توپ بوده و این مهم بایستی در بهترین مکان و کمترین زمان صورت گیرد.آخرین فاکتور، زمان است که این یکی هم بسیار مهم و حیات است و در صورتی که بازیکنان حریف صاحب توپ شدند بدون تعلل و تعارف در کوتاه ترین زمان ممکن نسبت به دفع توپ ، سد کردن یا تکل صحیح بدون هراس و دزدیدن سر و پشت کردن به حریف و توپ



مانع شوت کردن توپ شود.

متأسفانه تکل صحیح و سد کردن توپ های حریف در آمار پایان بازی دیده نمی شود. حال آن که باید تکل صحیح و سد کردن شوت های حریف جزو معیارهایی باشد که در پرونده ی هر بازیکن از اول بازی ها تا آخر فصل ثبت و نگهداری شود.

حفظ و پاسداری از تیر یک و دو در هر حالت بسیار ضروری است. رها کردن این دو نقطه حیاتی نوعی سهل انگاری است که فورواردهای حریف از آن حداکثر بهره را جهت نتیجه گیری می برند.

۱- Magnus Effect -

استادیوم بوشهر که قرار بود در سال ۸۸ افتتاح شود، شاید در سال ۹۲ افتتاح شود



مدیرکل تربیت بدنی استان بوشهر خبر داد: با اقدامات و پیگیری های اخیر در خصوص اعتبارات ورزشگاه ۱۵ هزار نفری بوشهر، امیدواریم این مجموعه تا نیمه اول سال ۱۳۹۲ به بهره برداری برسد.

رضا جمشیدی در جمع خبرنگاران بوشهری در پاسخ به سوالی در خصوص روند ساخت این ورزشگاه در محله تنگک سوم گفت: من هم در این مورد با شما هم عقیده هستم، از این رو بارها مسئولان شرکت اماکن ورزشی که مسئولیت ساخت این ورزشگاه را برعهده دارند خواسته و گلایه ورزشکاران و تربیت بدنی را در خصوص روند کند این پروژه به آنها ابلاغ کرده ام و یادآور شده ام با توجه به اینکه فوتبال استان در هر سه رده کشوری نمایندگانی دارد، باید در خصوص زیرساخت های آن همت بیشتری شود.

جمشیدی با بیان اینکه اعتبار این ورزشگاه تاکنون یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان بوده که کفایت این پروژه نمی کرده، اظهار داشت: با پیگیری های انجام شده امسال ۴,۵ میلیارد تومان از اعتبارات ملی و ۳ میلیارد تومان از بودجه استان برای ورزشگاه ۱۵ هزار نفری پیش بینی شده است.

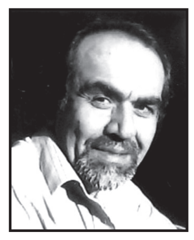
وی وعده داد: در صورت تخصیص به موقع این ۷,۵ میلیارد تومان و حضور پیمانکاران قوی، باید گفت امسال زمان پرواز این ورزشگاه و سرعت گرفتن آن خواهد بود تا نهایتا در نیمه اول سال ۱۳۹۲ افتتاح شود.

وی خاطرنشان کرد: البته به دلیل ساخت و سازهای صورت گرفته توسط مردم، تنها یک ورودی در ضلع شرقی ورزشگاه باقی مانده که آنجا نیز مربوط به اراضی ملی و مردم است و با خرید آن، تلاش می کنیم یک گذر بزرگ برای این پروژه تملک کنیم.

گفتنی است ورزشگاه ۱۵ هزار نفری بوشهر در اردیبهشت ماه ۸۵ در محله تنگک سوم کلنگ زنی شد و در حالی که در آن مراسم زمان بهره برداری از پروژه تا سال ۸۸ عنوان شد، اما پیشرفت فیزیکی آن کمتر از ۵۰ درصد برآورد می شود.

بانک صادرات، حامی مالی یا مالک شاهین

اسماعیل بهبهانی



شاهین بوشهر در حالی هفته ی ششم لیگ برتر را با شکست در مقابل تیم ته جدولی مس سرچشمه کرمان به پایان رساند که مهمترین دغدغه ی هواداران این تیم وضعیت مدیریتی این باشگاه مردمی می باشد. قبل از شروع این فصل اعلام شد که علی افراشته استاندار اسبق بوشهر و رئیس هیئت مدیره شاهین طی رایزنی با جهرمی مدیرعامل بانک صادرات ایران، موافقت ایشان را برای حمایت از باشگاه شاهین جلب نموده است و در ادامه مجید ابوالفتحی مدیر روابط عمومی و امور بین الملل بانک به عنوان عضو و سخنگوی هیئت مدیره به جامعه فوتبال معرفی شد و از همان ابتدا با رسانه ها ارتباط خوبی برقرار کرد اما در ادامه با اعلام نظرهایی مانند: نپذیرفتن هزینه های فصل گذشته و اصرار بر معرفی بهمن دهقان برای مدیرعامل شاهین تعجب هر ناظر بیطرفی را برانگیخت.

تاکنون از سوی هیئت موسس چگونگی قرارداد فی مابین باشگاه و بانک صادرات اعلام نشده است. اما در تمام دنیا شیوه جذب اسپانسر بر اصول و قواعدی مشخص بنا می شود که وظایف طرفین در آن کاملا مشخص است. معمولا در اینگونه قراردادها حامی مالی (اسپانسر) متعهد می شود در قبال استفاده از نام و برند باشگاه در تبلیغات خود و



استفاده از مواد تبلیغی بر روی پیراهن بازیکنان و استفاده از تبلیغات محیطی و ... مبلغی را در اختیار باشگاه قرار دهد. در اینگونه قراردادها اسپانسر حق داشتن نماینده یا نمایندگی در هیئت مدیره باشگاه که از بالاترین ارکان تصمیم سازی و تصمیم گیری است را نخواهد داشت مگر آنکه باشگاهی تیم خود را به اسپانسر برای مدتی مشخص و در قبال مبلغی معین واگذار کرده باشد که در این حالت مبلغ قرارداد بسیار بالاتر از قرارداد نوع اول خواهد بود.

حال بهتر است اعضای هیئت موسس شاهین و بخصوص احمد گزی شرایط قرارداد بانک را بصورت شفاف برای هواداران و علاقمندان روشن نمایند. این قضیه دو شکل بیشتر نخواهد داشت: یا باشگاه شاهین بوشهر تیم فوتبال بزرگسالان خود را که امتیاز حضور در لیگ برتر فوتبال ایران را هم دارد به بانک صادرات ایران واگذار نموده و از خود سلب اختیار کرده است و یا بانک صادرات فقط اسپانسر (حامی مالی) باشگاه است. اگر شکل اول است هیئت موسس اعلام نماید در قبال چه مبلغی و برای چه مدتی تیم فوتبال بزرگسالان خود را واگذار نموده است؟! و مبلغ دریافتی در کجا و چگونه هزینه شده است؟ آیا برای تیم های پایه سرمایه گذاری شده است؟ و اگر بانک تنها اسپانسر باشگاه شاهین است چرا در هیئت مدیره نماینده دارد؟ و چرا ابوالفتحی به عنوان نماینده اسپانسر در هیئت مدیره آنقدر احساس قدرت می کند که در تمامی عزل و نصب ها دخالت کرده و برای تصمیمات هیئت موسس تره هم خورد نمی کند؟ در هر حال روشنگری در قراردادها به نفع همگان خواهد بود.

ابراهیم رفعت بوشهری پیشکسوت شاهین:

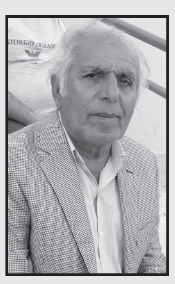
درخشان باید تیم را تک رقمی کند



شاهین نباید با نتیجه باخت از کرمان بیرون می رفت. مسی که ته جدول است نباید برای ما خط و نشان بکشد. حداقل باید یک مساوی بدست می آوردیم. مردم بوشهر از درخشان انتظار دارند. ایشان که مثل استیلی تازه کار نیستند که قول بدهند ولی عملکردشان با حرفشان یکی نباشد. وی در خصوص صحبت درخشان پس از بازی با مس سرچشمه گفت: صحبت های درخشان در خصوص شاهین جالب نبود. مگر می شود مربی اول کار این حرف ها را بزنند. باز می گویم مردم از آنها انتظار دارند. حداقل او باید تیم را تک رقمی کند. با یارگیری که او انجام داده نباید بهانه ای داشته باشد.

جلال غریب زاده پیشکسوت شاهین:

صحبت های درخشان علمی نبود



نمی دانم چرا شاهین از مس باخت. آنها که از بوشهر به تهران رفتند وضعیت خوبی داشتند. مثل اینکه در دو بازی دوستانه ای که در تهران انجام دادند مسئله ای برایشان پیش آمده بوده. درباره صحبت های درخشان پس از باخت مقابل مس باید بگویم نباید در خصوص پارسال صحبتی کند. تیم امسال تیم خوبی است. تیم ها که در لیگ می مانند سال به سال بهتر می شوند ولی مگر مال ما برعکس همه است که گفتند قول بالای جدول نمی دهم. به نظر من صحبت هایشان علمی نبوده و روی احساسات این حرف ها را زده است.



هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتو گرافی وچاپ : کارگر



واکنش درخشان پس از باخت از تیم ته جدولی:

قول ندادم شاهین در بالای جدول باشد



سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر گفت: شکست مقابل تیم مس سرچشمه عادلانه نبود و حداقل باید نتیجه مساوی در این دیدار رقم می خورد.

حمید درخشان پس از دیدار دو تیم شاهین بوشهر و مس سرچشمه در جمع خبرنگاران افزود: کنترل این دیدار در اختیار بازیکنان تیم ما بود و تیم مس سرچشمه با ارائه یک دیدار انتحاری، فقط آمده بود که بجنگد .

وی ادامه داد: تیم مس سرچشمه اگر چه از نظر فنی خوب بازی نکرد اما از شانس خوبی برخوردار بود.

درخشان اظهار داشت: تیم فوتبال شاهین بوشهر از فرصت هایی که داشت نتوانست برای به ثمر رساندن گل استفاده کند.

سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر خاطر نشان کرد: بازیکنان تیم ما در این دیدار تلاش بسیاری را انجام دادند اما تیم مس سرچشمه به خوبی از دروازه خود دفاع کرد.

وی بیان کرد: تیم ما با داشتن برنامه مشخص برای این دیدار وارد میدان شد اما تیم مس سرچشمه برنامه ای نداشت و پیروز شد.

درخشان در مورد اعتراض هواداران شاهین عنوان کرد: از آنها تشکر می‌کنم، اما این تماشاگران باید بدانند که این تیم در فصل گذشته تنها با یک اختلاف گل در لیگ برتر باقی ماند اما حالا در رده چهارم قرار دارد و انتظارات آنها باید منطقی باشد.

وی ادامه داد: اگر هواداران نمی‌خواهند وضعیت تیم به این شکل باقی بماند، بهتر است صبور باشند و به مدیران بگویند که تصمیم بهتری برای تیم اتخاذ کنند.

درخشان اظهار داشت: هنوز بازی‌های زیادی باقی مانده و با این شکست‌ها اتفاق خاصی نیفتاده است. من به هیچ فردی قول ندادم که شاهین را قهرمان یا در بالای جدول قرار دهم و قول من نگه داشتن این تیم در میانه‌های جدول بود.

درخشان با اشاره به اینکه هواداران تیم شاهین بوشهر باید صبور باشند، گفت: نباید فراموش کرد سال گذشته این تیم در هفته پنجم جایگاه سیزدهم را داشت اما امسال تا پایان همین هفته جایگاه پنجم جدول رده بندی را به خود اختصاص داده.

عبدالرضا افشار عضو هیئت موسسین باشگاه شاهین:

در هیئت موسسین شاهین هیچ وقت هماهنگی ندیدم

از دست خودی ها بیشتر ناراحت هستم



– جناب افشار، شاهین امسال را چگونه ارزیابی می کنید؟

– بحمدالله تا این ساعت خوب بوده و می شود خوب پیش بینی کرد و امیدوارم که انشاءالله با این زحمت هایی که کشیده می شود از طرف همه، بخصوص بانک صادرات، فوتبال مان چشمگیر، پویا، خوب و انشاءالله در جدول هم جای خوبی کسب خواهیم کرد.

– آقای درخشان را چگونه دیدید؟

– خیلی خوب بوده، آقای درخشان در هر صورت، سرمربی است و در جاهای دیگر کار کرده و فکر نمی کنم جایی نتیجه بد گرفته باشد.

– بهمن دهقان به عقیده شما گزینه خوبی برای مدیر عاملی شاهین بود ولی عمر کارکردش کم بود و کسی دیگر جای او را گرفت؟

– آقای دهقان، من یک بار او را دیدم و از گوشه و کنار بررسی می کردم، به نظرمن یک مدیر لایقی بود. حقیقتا دیدم نیتش خیر است بعد از ۴۵ سال کار در شاهین ، می توانم تشخیص بدهم چه کسی هدفش خدمت است چه کسی نیست.

– چیزی که علاقمندان به شاهین را ناراحت کرد این است که اعضای هیئت موسسین در هر موضوعی تا درب جلسه با هم، هم نظر هستند ولی در جریان کار هفت رنگ می شوند دلیل این کار چیست؟

– متأسفانه و هزار بار متأسفانه جلسه که گرفته می شود می گوییم که حرفی که این جا زده می شود همین جا نگهش دارید تا بیرون درز نکنه که ما داریم چکار می کنیم، ما هنوز خانه نرسیدیم ، تلفن می زنند که چرا چنین تصمیمی گرفتید. حقیقتا در هیئت موسسین هیچ وقت هماهنگی ندیدم.

– به خاطر همین موضوع ها بوده که خودتان را از ریاست این هیئت کنار کشیدید؟

– بله، صد در صد، بنده ۵۶ سال برای شاهین خدمت کردم دو ساختمان برای شاهین درست کردم، آقایان محبوبی، ابراهیم زاده و بوالخیری شاهد هستند. آن ها در آن زمان من را کمک می کردند. شب عید سال ۷۲ که آقای دکتر حمیدی که این مأموریت را به من سپرد و تا سال ۸۲ که به دستور آقای دکتر حمیدی من این کلید را به محمد نجفی تحویل دادم . بنده ده سال از زندگی خارج شدم فقط بخاطر ارادتی که به شاهین و علاقمندان داشتم.

– این روزها بعضی ها خیلی ناراحت هستند که تیم افتاده دست تهرانی ها، شما چه نظری دارید؟

– حالا اگر دست تهرانی ها نیفتاده بود ما بودیم و همان بدبختی و بی پولی، باشگاه که دست تهرانی ها نیست تیم فوتبال دست تهرانی است. این هم برای یک سال است. شاید با این هزینه سنگین نتوانند زیر بار بروند. همین حالا هم به خاطر بدهی های قبلی اختلافاتی وجود دارد، بانک صادرات می گوید من بدهی ورزشکاران را می دهم. باشگاه شاهین می گوید که باید تمام بدهی ها را بدهید. وقتی یکی دو نفر از هیئت موسسین را به خاطر این موضوعات به تهران می فرستیم، وقتی برمی گردند هیچ یک از هیئت موسسین را در جریان کار نمی گذارند. گزارش کار به ما داده نمی شود.

– جای ایمان دشتی را در کادر فنی خالی نمی بینید؟

– صد در صد. درست است که ایشان داماد من است اما صد در صد حق ایمان دشتی است.

– چرا مثل همه از نفوذتان استفاده نکردید؟

– قسم خوردم تا این ساعت، دخالت شخصی به خاطر شخص خودم نداشته باشم، من همیشه روی مسئله کلی باشگاه صحبت می کنم روی فرد صحبت نمی کنم و خود ایمان دشتی هم به من قسم داد که درخصوص او من با هیچ کس صحبتی نکنم. من هم این کار را نکردم، ولی اخیرا با یکی از مسئولین صحبت کردم و گفتم این بنده خدا مثل دیگر شاهینی ها زحمت کشیده ۱۸ سال در شاهین و در دوران بی پولی فوتبال بازی کرده نباید با ایشان این طور برخورد شود. من از دست کادر فنی فعلی ناراحت نیستم از دست خودی ها بیشتر ناراحت هستم.

علیرضا عباسی مدیرعامل اسبق شاهین:

ریز و پیز شاهین را باز گو نکنید

شاهین در مقابل مس بد کار نکرد ولی بدشانسی آورد. اما برای تیم ما خوب نیست که به تیم ته جدولی ببازد. وقتی آقای درخشان در برنامه تلویزیونی تمام ریز و پیز تیم شاهین را بازگو می کند و مسی ها که کر و کور نیستند آنها هم می شنوند و این هم یکی از ایرادهای درخشان است.



عباسی در خصوص صحبت های درخشان پس از باخت مقابل مس گفت: چند هفته پیش ایشان در مصاحبه ای گفت که قول بالای جدول می دهم. اما حالا زیر قولش زده. اگر ما سال قبل با کمترین امتیاز ماندیم در عوض امسال هم یارگیری خوب انجام دادیم. وقتی بازیکن ۵۰۰ الی ۶۰۰ میلیونی می گیری نباید بگویی تک رقمی نمی شود.

احمد گزی رئیس هیئت موسس باشگاه شاهین:

بازیکنان شاهین مغرور شده بودند



به نظر من شاهین مقابل مس سرچشمه خوب بازی نکرد و به نظرم می رسد بازیکنان یک مقدار مغرور شده بودند. ما از این تیم انتظار داریم. وقتی تیمی مثل شاهین گلری مثل طالب لو دارد نباید این طور گل بخورد. در خصوص صحبت درخشان پس از بازی هم باید عرض کنم که اگر ما با یک امتیاز در لیگ ماندیم این ملاک نیست که امسال بالای جدول نباشیم. مگر ما چه چیز از تراکتور کمتر داریم. باید تیم هایی که با شور در جدول می مانند سال بعد با جذب نیروهای خوب بهتر کار کنند. ما امسال در شاهین این کار را کرده ایم.

عبدالرضا عبدالله زاده پیشکسوت شاهین:

مربی وقتی می بازد نباید بهانه جویی کند

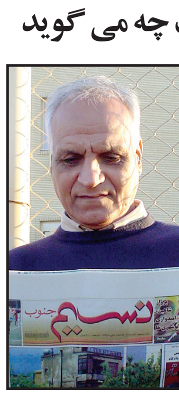


تیم مس سرچشمه با پرس های طولانی عرصه را بر شاهین تنگ کرده بود. آنها بخوبی توانستند بال های چپ و راست شاهین را ببندند. کادر فنی شاهین نتوانست در مقابل مس تغییر تاکتیک دهد. شاید آنها در یاد بازی با صبای قم بودند.

عبدالله زاده درباره نظرات درخشان پس از باخت مقابل مس گفت: آقای درخشان نباید صحبت های پیشین خود را فراموش کند. شاهین تیم خوبی است و دارای بازیکنان قابل و باتجربه ای است و هیچ چیز برای بالا ماندن در جدول کم ندارد. مربی وقتی می بازد نباید بهانه جویی کند.

رسول حسن پور مربی اسبق شاهین:

درخشان اگر در بازی های بعدی باخت چه می گوید



شاهین در کل بازی خوب انجام نداد و این مس بود که تمام روزنه ها را برای شاهین بسته بود. مربیان این تیم هم مانده بودند که با تفکر مسی ها چه کار کنند. شاهین یک موقعیت صد در صد داشت که آن هم شکوری به بیرون زد.

حسن پور در خصوص نظرات درخشان پس از بازی گفت: مربی وقتی این صحبت ها می کند کمی خوب نیست، او باید بگوید روی اتفاقات فوتبال گل خوردیم نه اینکه این تیم سال قبل با یک امتیاز در لیگ ماند. امسال تیم نسبت به سال های قبل خیلی بهتر شده. واقعا عیار شاهین مقابل مس سرچشمه مشخص شد؟ درخشان باید برای صحبت های خود دلیل درستی بیاورد. اگر در بازی های بعدی باخت چه می خواهد بگوید. در عجبم که وقتی سریع ترین گل را به صبا زدند ایشان گفت روی این مسئله کار کرده ایم حالا بفرمایید چرا نتوانستید تک گل مس را جواب دهی؟



خارجی ها چنگی به دل نزدند



دو بازیکن خارجی در جریان اردوی شاهین در تهران زیر نظر درخشان کار کردند و وی آنها را در یک مسابقه بازی داد. این بازیکنان مورد نظر قرار نگرفته و مشخص شدند کسانی نبودند که درد شاهین را دوا کنند.

میهن دوست در ایرانجوان



محمد میهن دوست یکی از مربیان با کلاس و خوب بدنسازی استان بوشهر که بوشهری هم هست با نظر مساعد سرمربی ایرانجوان به کادر فنی این تیم اضافه شد. امید است با آمدن وی وضعیت بدنی بازیکنان ایرانجوان از قبل بهتر شود.

وقتی برند دایی مشکل ساز شد!



جدایی بهمن دهقان از شاهین مانند حضورش در این باشگاه عجیب بود. اختلافات دهقان با دست اندرکاران باشگاه شاهین زمانی به اوج خود رسید که او از تولیدی دایی برای شاهین البسه تهیه کرد. اغلب بازیکنان نسبت به جنس لباس ها اعتراض کردند اما دهقان حاضر به تعویض تولیدی نشد. یکی از دست اندرکاران برای دیدار با صبا از تولیدی مجید لباس تهیه کرد که این امر باعث دلخوری دهقان می شود. کار به ابوالفتحی می کشد و او به بازیکنان و مسئولین باشگاه اعلام می کند که تامل کنند زیرا به زودی دهقان کنار می رود. و او عاقبت از بوشهر رفت.

بازیکن شمالی از ایرانجوان رفت

احسان عبدی بازیکن شمالی که چند مدت در تمرینات ایرانجوان شرکت کرده بود و نظر کادر فنی را جلب کرده بود بنا به دلایلی از ایرانجوانی شدن سرباز زد و به دیار خود سفر کرد.

مدافع یاسوجی در ایرانجوان



خسرو عبدی بازیکن خط دفاعی تیم شهرداری یاسوج که فصل گذشته در لیگ یک در شهرداری یاسوج بازی کرده بود با نظر نهایی سرمربی ایرانجوان، ایرانجوانی شد. این خرید آخرین خرید ایرانجوان بود.

بهرمان در توحید بوشهر



منصور بهرمان دروازه بان اسبق تیم منتخب بوشهر و یکی از مربیان خوب بوشهری هفته گذشته مسئول آماده کردن دروازه بان های تیم توحید بوشهر شد. لازم به ذکر است جای بهرمان در ایرانجوان یا شاهین بسیار خالی است. گناه بهرمان بومی بودن ایشان است.

دلخوری بازیکنان از درخشان

برخی بازیکنان شاهین از رفتار خشک درخشان دلخور هستند. یکی از آنها به سایت گل می گوید «استیلی رفتاری بسیار دوستانه داشت اما درخشان نتوانسته آن رفاقت لازم را با بازیکنان داشته باشد.» تماشاگران هم از بی توجهی به بومی های تیم مثل سلیمانی وحیدری گلایه دارند. / منبع: گل

دلخوری کادر فنی از عدم جذب مهاجم

ناآگاهی مدیران شاهین نسبت به قوانین نقل وانتقالات باعث شد تا این تیم نتواند مهاجم خارجی در اختیار بگیرد. به همین دلیل کادر فنی از شرایط موجود راضی نیست و مراتب گلایه خود را اعلام کرده است.



نامه رفع توقیف ایرانجوان



اواسط هفته پیش گروهی از بوشهر برای رفع توقیف شرکت ایرانجوان در لیگ دسته اول راهی تهران شده بودند که حضور مجید حسینی کنگانی باعث تعجب همگان شده بود. مسئله ایرانجوان فعلا حل شده البته ایرانجوانی ها با تحویل دو فقره چک تا دو ماه آینده باید تکلیف خود را روشن کنند.

اشک تماشاگران پس از بازی



سه دستگاه اتوبوس از تماشاگران بوشهری که روانه کرمان شده بودند پس از بازی با چشمان گریان راهی بوشهر شدند. چون آنها طاقت باخت شاهین را نداشتند. در این بازی شاهین مستحق باخت نبود ولی اتفاقات فوتبال احساس بردار نیست.

بی پولی واحتمال مدیریت دادگر

مشکلات کاری مانع از تداوم حضور افراشته به عنوان مدیرعامل شاهین خواهد شد. او که در مجلس شورای اسلامی مشغله های زیادی دارد اخیرا به عنوان مدیر عامل باشگاه معرفی گردیده اما قرار است فرد جدیدی جانشین او شود. گفته می شود دکتر دادگر بر این مسند خواهد نشست. شاهین از فروردین سال جاری تاکنون کنگانی، گزی، افراشته(سرپرست موقت)، بهمن دهقان ومجددا" افراشته(این بار مدیر عامل رسمی) را بالای سر خود دیده است.دیگر گزینه مدیریت شاهینی ها محمد نجفی مدیر بومی وسابق باشگاه است که گفته می شود تاکنون به دلیل مخالفت گزی به این سمت نرسیده اما با بی اثر شدن هیئت موسس در تصمیمات اجرایی ،حالا شانس زیادی برای حضور مجدد در راس باشگاه دارد.

اولین انتقادات درخشان از بی پولی

سرمربی شاهین در کنفرانس بعد از بازی با مس سرچشمه برای اولین بار در فصل جاری از مشکلات مالی تیمش انتقاد کرد. او گفته بود «اگر هواداران نمی‌خواهند وضعیت تیم به این شکل باقی بماند، بهتر است صبور باشند و به مدیران بگویند که تصمیم بهتری برای تیم اتخاذ کند. من از کسی ترسی ندارم وبازیکنانم تاکنون بدون پول کار کرده اند اما باید مدیران باشگاه این مشکل را حل کنند.» باید دید عاقبت بی پولی شاهینی ها به کجا می کشد.

شکوه مقام و انصاریان آماده می شوند

انصاریان و شکوه مقام دو بازیکن مصدوم شاهین می توانند تیمشان را مقابل ذوب آهن همراهی کنند. انصاریان که به دلیل پارگی مینیسک در تمرینات حضور نداشت پس از عمل جراحی وبهبودی تمریناتش را آغاز می کند وشکوه مقام هم کشیدگی رباط داشت و با تمرینات سبک به تیم ملحق می شود. منبع: گل

محمد دوانی رئیس هیئت فوتبال استان:

شاهین برنامه ای برای گل زدن نداشت



شاهین بازی اش از مس بهتر بود ولی برنامه ای برای گل زدن نداشت. تنها موقعیت صد در صدی که بوجود آمد توپی بود که شکوری در یک قدمی دروازه به بیرون زد. نمی دانم علت باخت چه بود ولی یک چیز که خیلی مشهود بود ۱۰ روزی که در تهران اردو داشتند انگار خیلی خوب تمرین گل زنی نداشتند. شاهین در مقابل مس، هجومی نبود و خوب کار نکرد. البته شوک خوب مس تعویض سرمربی بود که در بازی با شاهین جواب داد. در کل شاهین در این بازی خوب عمل نکرد و انتظارات مردم را برآورده نکرد، چون این روزها شاهین انتظارات را بالا برده.

علی بکا مربی فوتبال :

مخالف اردوهای درازمدت شاهین در تهران هستم



به نظر من سه عامل باعث باخت شاهین شد: اول اردوی ۱۰ الی ۱۲ روز در تهران که من مخالف این اردوهای درازمدت هستم. چون بچه های ما عاطفی هستند دوری از خانه روی آنها تاثیر می گذارد. هرچند که ۵۰ درصد تیم تهرانی هستند. دوم با توجه به اینکه سال گذشته اصغر شرفی در بوشهر بود و شاهین را از نزدیک مشاهده کرد و شاهینی ها هم او را خوب می شناسند. باید تفکرات او را بخوبی می خواندند.
سوم اینکه تیم شاهین در مقابل مس، پایین بود. اگر بخواهیم از همین لحاظ بازی با صبای قم را بررسی کنیم خواهیم دید که چقدر سرعت شاهین پایین بود. در ضمن در جایی که مسعود نظرزاده خوب بازی می کرد چرا تعویض شد. باید در خط حمله این تغییر صورت می گرفت نه جناح راست.

سعید درویشی پیشکسوت فوتبال بوشهر:

شاهین مهاجم سر زن ندارد



شاهین تقریبا بازی خوبی انجام داد ولی از موقعیت ها استفاده نکرد. فوتبال را روان بازی کرد. از مس خیلی سرتر بود. مسی ها تنها یک موقعیت در دقیقه ۱۴ بدست آوردند و آنرا تبدیل به گل کردند. اما شاهینی ها چه؟ وقتی که تفکر کادر فنی در این بازی سانتر از جناحین است پس مهاجم سرزن در کجا قرار دارد؟ اصلا شاهین مهاجم سر زن دارد که این توپ ها را به خوبی و در مکان و زمان مناسب گل کند. وقتی توپ های بلند ارسال می کنیم چه کسی باید از این توپ ها استفاده کند؟ به نظر من وقتی شاهین از این راه به در بسته می خورد باید تغییر روش می داد. تعویض عزیز محمدی بجای نظرزاده اصلا خوب نبود ولی این کار در شاهین عادی شده که در دقایق ۷۰ الی ۸۰ این تغییرات صورت گیرد.

پژمان کنتراتچی بازیکن اسبق شاهین:

برنامه خاصی بین خط میانی و حمله دیده نمی شد



شاهین تا پشت ۱۸ قدم مس خوب جلو می آمد ولی در محوطه جریمه خوب عمل نمی کرد. آنها احساسی عمل می کردند. با برنامه به دروازه حریف حمله نمی کردند. اصلا عمق خط دفاعی حریف هدف قرار گرفته نمی شد. توپ ها همه اش سانتر می شد و دفاع پر تعداد مس آنها را دفع می کرد. برنامه خاصی بین خط میانی و حمله اصلا دیده نمی شد. توپ ها زیاد لو می رفت. پاس های سالم کم بود. فاصله خط حمله و هافبک در زمان حمله رعایت نمی شد. تعویض عزیزمحمدی بجای نظرزاده کارساز نبود. او هم کارت زرد گرفت و در حد مسعود هم بازی نکرد. معمولا وقتی تعویض انجام می شود باید تیم ۱۰ درصد رشد داشته باشد. ما که رشد ۱۰ درصدی بعد از تعویض را ندیدیم.

علی اکبر سلیمانی بازیکن اسبق شاهین:

شاهینی ها در موقعیت سازی ضعیف بودند



شاهین معمولا خوب بازی می کند ولی در مقابل مس سرچشمه خوب کار نکرد. مشکلی که شاهین دارد گل نزدن است که در این بازی بسیار مشهود بود. حملات بی برنامه هم دلیلی شده بود که حریف دست شاهین را به خوبی بخواند. مسی ها جناح عباس پورخسروانی را خوب مهار کرده بودند و شاهین از همین جناح زیاد ضربه دیده و برنامه دیگری نداشت. در خط حمله هم بنا به دلایلی که خط هافبک خوب یاری این منطقه را انجام نمی داد، منصور تنهایی واقعا تنها بود. شاهین در این بازی یک موقعیت تک به تک صاحب نشد این یعنی اینکه در موقعیت سازی ضعیف بودند. شوک آمدن شرفی به مس برای مسی ها خوب جواب داد.